

## تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی کرتن بر بی‌طرفی حسابرس با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۷

رضا نعمتی کشتلی<sup>۱</sup>

### چکیده:

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی به روش کرتن بر بی‌طرفی حسابرس می‌باشد. نمونه آماری پژوهش شامل ۵۱۷ نفر حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران واقع در محدوده جغرافیای تهران در سال ۱۳۹۹ می‌باشد که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از روش توصیفی-پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه استاندارد در این پژوهش استفاده شده است. همچنین، فرضیه‌های تحقیق از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم افزار لیزرل، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده با بی‌طرفی حسابرس رابطه منفی و معنی‌دار دارد و راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده با بی‌طرفی حسابرس رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. از این رو، راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان بر بی‌طرفی آنان تأثیرگذار می‌باشد. لذا، راهبردهای یادگیری شناختی پژوهنده و پذیرنده به ترتیب بیشترین تأثیر را بر بی‌طرفی حسابرس دارند. نتایج یافته‌ها می‌تواند به موسسات حسابرسی کشور کمک کند در استخدام حسابرسان جدید، نوع راهبرد یادگیری شناختی حسابرسان را در نظر گرفته، تا از این طریق با بهبود قضاوت حرفه‌ای آنان، کیفیت حسابرسی را افزایش دهند. بنابراین، نتایج این پژوهش می‌تواند مفاهیم نظریه راهبردهای یادگیری شناختی کرتن را وارد متون تحقیقات رفتاری در حسابرسی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** مدل‌سازی معادلات ساختاری، راهبردهای یادگیری شناختی، روش کرتن.

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران، ایمیل: nematikoshteli20@yahoo.com

## ۱- مقدمه

در صورتی که فرایند اطلاع‌جویی به عنوان بخشی از یک فرایند شناختی مورد توجه قرار گیرد، باید توجه نمود که تئوری‌های فرایند شناختی در خصوص ذخیره و بازیابی اطلاعات بر فرایندهای ذهنی تأکید دارد و در فرایند یادگیری به ذخیره، بازیابی و به‌کارگیری اطلاعات می‌انجامد (سالاریان و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۴۶۲). در واقع، ساختار دانش قبلی افراد بر روشی که از طریق آن اطلاعات جدید دریافت و ادراک می‌شود، تأثیرگذار است. بنابراین، راهبردهای یادگیری شناختی<sup>۱</sup> و رویکردهای مطالعه، موجب تفاوت در افراد می‌شود. به همین منظور، اگر افراد در جستجوی اطلاعات و کسب مهارت و دانش جدید ضعیف عمل کنند، تصمیم‌های خود را به شکل بی‌طرفانه<sup>۲</sup> و در بستر شواهد ناکافی اتخاذ می‌کنند (آنتونانزاس و لورنته، ۲۰۱۷؛ ۱۱۹۷). از این‌رو طرفداران رویکرد پردازش اطلاعات، شناخت را بهترین معیار و برترین سطح پردازش اطلاعات تلقی می‌کنند. به طوری که قبل از شناخت، ادراک و احساس قرار دارد که اهمیت ادراک به منظم کردن دنیای پیرامون و فراهم نمودن زمینه شناخت افراد است (سیریوردانه و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۹۵). لذا، افراد می‌توانند برای افزایش مهارت‌ها و کسب دانش جدید، بخشی از انرژی‌های شناختی، جسمی و عاطفی خود را به شکل ساختاریافته بر یادگیری متمرکز کنند. از این‌رو، یکی از مولفه‌های مهم در عملکرد افراد، آگاهی و شناخت در زمینه راهبردهای یادگیری و به‌ویژه یادگیری‌های شناختی است (اورمترز و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۱۰۶). به طوری که، ضرورت نیاز به حسابرسان خبره با برخورداری از راهبردهای یادگیری شناختی مناسب به‌منظور دستیابی به اطمینان نسبی از عدم وجود تقلب در فرایند گزارشگری مالی و اظهارنظرهای بی‌طرفانه، بیش از گذشته احساس می‌گردد (ریورینک، ۲۰۱۸؛ ۱۲۹۲).

تحقیقات رفتاری در حوزه حسابرسی نشان می‌دهد، تأثیر عوامل روان‌شناختی حسابرسان در تجزیه و تحلیل شواهد و تصمیم‌گیری‌های مناسب و قضاوت حرفه‌ای آنان بسیار حائز اهمیت است. به طوری که اظهارنظر حسابرسان به شکل بی‌طرفانه و در قالب صورت‌های مالی حسابرسی شده عاری از تقلب و اشتباه به عنوان یکی از اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی تلقی می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۳۸). بدین منظور، حسابرسان باید از مولفه‌های روان‌شناختی مانند راهبردهای یادگیری شناختی مناسب به منظور پردازش اطلاعات و تجزیه و تحلیل شواهد برخوردار باشند تا در تصمیم‌گیری‌های صحیح و قضاوت حرفه‌ای موفق عمل کنند و از این طریق جامعه بتواند از بی‌طرفی<sup>۳</sup> آنان اطمینان منطقی حاصل کند (گولمن، ۱۹۹۵؛ ۳۱). نتایج تحقیق انجام شده توسط دانش‌فرد و همکاران (۱۳۹۷، ۷۹) در ۳۴ دستگاه دولتی نشان می‌دهد که راهبردهای شناختی شامل سازگاری موثر با کارکنان رده پایین، صیانت از موقعیت اجتماعی و عدالت خواهی و انگیزه‌های عاطفی بر پایبندی مدیران به قوانین عدالت تأثیرگذار است. از این‌رو، توجه به راهبردهای یادگیری شناختی با لحاظ کردن مولفه‌های مربوط

1. Cognitive Learning Strategies

2. Neutral

3. Neutrality

به محیط‌های یادگیری<sup>۱</sup> به افراد کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را در پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری گسترش دهند که این موضوع می‌تواند موجب کاهش اشتباهات و اتخاذ تصمیمات مفید گردد (زیدنی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۱۰۳). بنابراین، حسابرسان می‌توانند دانش خود را به واسطه به کارگیری راهبردهای یادگیری بر اساس باورهای شناختی، انگیزشی، رفتاری و خودکنترلی سازمان‌دهی کنند و از این طریق کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند (پینکاس، ۱۹۹۰؛ ۱۵۰). بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که بی‌طرفی حسابرسان تا چه اندازه متأثر از راهبردهای یادگیری شناختی طبق نظریه یادگیری شناختی کرتن است؟

هدف تحقیق حاضر، بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر بی‌طرفی حسابرس است. به دلیل ضرورت توانمندسازی روان‌شناختی حسابرسان جهت جمع‌آوری شواهد حسابرسی کافی و مناسب و پردازش اطلاعات در راستای ارتقا کیفیت حسابرسی، توجه به راهبردهای یادگیری شناختی در حرفه حسابرسی بسیار حائز اهمیت است. طبق بررسی‌ها، تاکنون تحقیقی در ایران به این حوزه مطالعاتی نپرداخته است. لذا، فقدان پژوهش کافی در حوزه راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان، موجب شد تا نویسنده مقاله حاضر را به نگارش درآورد. مهمترین دستاورد نوآورانه این پژوهش شناسایی نظریه‌ها و مدل‌های مرتبط با موضوع پژوهش است که می‌تواند زمینه گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در قلمرو قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را فراهم نماید. شواهد پژوهش نشان می‌دهد که کدام نوع راهبرد یادگیری شناختی، بیشترین تأثیر را بر روی بی‌طرفی حسابرس دارد که به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار خط‌مشی‌گذاران حرفه حسابرسی قرار دهد و بستر لازم جهت پیشنهاد ایده‌های جدید جهت پژوهش‌های نوین در حوزه حسابرسی رفتاری را فراهم کند. در ادامه مبانی نظری، روش تحقیق و آزمون فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱- بی‌طرفی حسابرس

یکی از اصول اساسی و مهم حرفه حسابرسی، بی‌طرفی است. هنگامی بی‌طرفی حسابرس قابل دفاع و اثبات می‌باشد که اظهار نظر او فاقد جانبداری بوده و عاری از تضاد منافع باشد تا حدشای بر قضاوت حرفه‌ای<sup>۲</sup> حسابرس وارد نشود. به عبارتی، حسابرس نباید در جهت زودباوری (مثبت) یا مشکوک بودن (منفی) سوگیری داشته باشد (فودوروا، ۲۰۱۳؛ ۲). حسابرس برای تأیید بی‌طرفانه بودن اظهار نظر خود، نباید هیچ‌گونه منافع مالی مستقیم و غیرمستقیم با اهمیتی در واحد مورد رسیدگی داشته باشد. در غیر این صورت، اظهار نظر او فاقد معیار بی‌طرفی بوده و می‌تواند نشان‌دهنده قضاوت جانبدارانه باشد (فورد و پاسوارک، ۲۰۱۵؛ ۳۰). بی‌طرفی، به‌عنوان یکی از مولفه‌های اصلی قضاوت حرفه‌ای تلقی می‌گردد که نشان‌دهنده ویژگی از حسابرس برای

1. Learning Environments

2. Professional judgment

بروز تردید در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های حرفه‌ای است. حسابرسان در رعایت بی‌طرفی، به‌جای پذیرش درستی هر ادعا، تمایل دارند شواهد کمی یا کیفی متقاعدکننده‌تری را با تردید حرفه‌ای بالا دریافت کنند که کافی نبودن بی‌طرفی، یکی از دلایل اصلی ناتوانی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت می‌باشد (بنستون و هارتگراویز، ۲۰۱۰؛ ۱۰۵). لذا حسابرسی صورت‌های مالی، رویکردی کنترلی است که از طریق فراهم کردن اطمینان معقول از این‌که صورت‌های مالی فاقد تحریف‌های با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه است، موجب کاهش تقارن اطلاعاتی می‌شود (چانگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۳۷).

بدین منظور، حسابرس جهت رعایت بی‌طرفی در مواجهه با رویدادها و مسائل، باید به شکل منصفانه عمل کند و در قضاوت حرفه‌ای خود به رعایت کامل بی‌طرفی پایبند باشد (فودورو، ۲۰۱۳؛ ۳). در واقع، بی‌طرفی از منظر تردید حرفه‌ای<sup>۱</sup> بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در بی‌طرفی حسابرسان باید از سوگیری در اظهارنظرهای خود خودداری کنند، به‌طوری که آن‌ها نباید در بررسی‌های خود به موضوعی جهت‌گیری مثبت یا منفی داشته باشند (کوشینگ، ۲۰۰۰؛ ۱). از این‌رو، بی‌طرفی دیدگاه اصلی مورد توجه استانداردهای حسابرسی می‌باشد که موجب می‌شود تا حسابرس تمایل بیشتری به یافتن حد تعادلی از شواهد کافی و مناسب جهت تأیید یا رد ادعاهای صورت‌های مالی داشته باشد (اژجن، ۲۰۰۵؛ ۱).

در روان‌شناسی شناختی، ویژگی‌ها و جنبه‌های فردی در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت حرفه‌ای حسابرس تأثیرگذار می‌باشد. لذا، حسابرسانی که با تردید بیشتری مواجه می‌شوند، شواهد کمی و کیفی متقاعدکننده‌تری به منظور پذیرش صحت هر ادعا درخواست می‌کنند (نلسون، ۲۰۰۹؛ ۲). از این‌رو، باید توجه نمود که برخی حسابرسان از راهبردهای شناختی مناسب و تجربه کافی برای انجام رسیدگی‌ها و کشف تحریف‌های با اهمیت برخوردار نیستند که به‌کارگیری حسابرسان با راهبرد یادگیری شناختی مناسب می‌تواند بر بی‌طرفی آنان تأثیرگذار باشد (اسپاتیس، ۲۰۰۲؛ ۱۸۰). لذا، هر اندازه قضاوت حسابرسان بر پایه راهبردهای یادگیری شناختی مناسب و به‌دور از هرگونه تعصب و بی‌طرفی بر مبنای اصول و استانداردهای حرفه‌ای باشد، قابلیت اتکا گزارش‌های حسابرسی بیشتر می‌شود (بالکر، ۲۰۰۰؛ ۱). به همین منظور میزان کیفیت بالای قضاوت حرفه‌ای حسابرس، بر اعتبار حرفه حسابرسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. از این‌رو، راهبردهای یادگیری شناختی و عوامل محیطی و شغلی مهم‌ترین سازه‌های اثرگذار بر بی‌طرفی حسابرس هستند. به طوری که، راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان جهت توانمندسازی روان‌شناختی آنان به منظور جمع‌آوری شواهد کافی و پردازش دقیق و بی‌طرفانه اطلاعات و نهایتاً بر قضاوت حرفه‌ای باکیفیت تأثیرگذار می‌باشد (پینکاس، ۱۹۹۰؛ ۱۵۱).

## ۲-۲- راهبردهای یادگیری شناختی

یادگیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین موضوع در حوزه روان‌شناسی تلقی می‌شود

که تعریف آن با چالش روبرو می‌باشد و به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. لذا، اهمیت مفهوم یادگیری موجب شده تا تعاریف مختلفی از آن ارائه گردد که یکی از بهترین تعاریف یادگیری به شرح ذیل است: یادگیری به‌عنوان فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری افراد که حاصل تجربه می‌باشد (هانت و الیس، ۲۰۰۳؛ ۱).

راهبردهای یادگیری، رویکردی هدف‌محور<sup>۱</sup> تلقی می‌شوند و به‌وسیله آن افراد میزان یادگیری خود را افزایش می‌دهند (دمبو، ۲۰۰۲؛ ۱). راهبردهای یادگیری در قالب یک رویکرد شناختی، به افراد جهت دستیابی به اهداف خاص تفسیر رویدادها و درک مسائل یاری می‌رساند (وینشتاین و مایر، ۱۹۸۶؛ ۳۱۵). این راهبردها به‌عنوان یک رویکرد شناختی به منظور کمک فرد جهت درک مفاهیم و تفسیر رویدادها به کار گرفته می‌شود (کویکسین، ۲۰۱۲؛ ۱۴۴۷). راهبردهای یادگیری شناختی در حوزه روان‌شناختی، راهبردهای یادآوری و یادگیری<sup>۲</sup> هستند. این راهبردها به افراد کمک می‌کند که علاوه بر ترکیب اطلاعات جدید با آموخته‌های قبلی، زمینه انباشت این اطلاعات در حافظه بلندمدت و پردازش مناسب آن‌ها فراهم گردد (لفرانکوئیس، ۱۹۹۷؛ ۱). توجه به راهبردهای یادگیری از زمانی شروع شده که رویکردهای یادگیری شناختی جایگزین رویکرد رفتاری<sup>۳</sup> در روان‌شناسی شده است (دانکلارک، ۲۰۰۰؛ ۱). از این‌رو، نظریه‌های شناختی در یادگیری در جستجوی تفسیر فعالیت‌های پیچیده شناختی مانند درک مطلب، یادآوری و راهبردهای یادگیری می‌باشند که اصطلاح شناخت در این راهبردها، نشان‌دهنده آگاهی فرد نسبت به فرایندهای ذهنی و مهارت تنظیم این فرایندها است (دمبو، ۲۰۰۲؛ ۱). راهبردهای یادگیری شناختی، به توانمندی فردی و بر اولویت‌هایی تمرکز دارد که چگونگی فهم، جمع‌آوری و پردازش اطلاعات را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مارگونایاسا و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۷۳۷). بدین منظور، این راهبردها با سبک‌های شناختی<sup>۴</sup> تفاوت دارند. چراکه سبک‌های شناختی به عنوان یک رویکرد عادی ذاتی با درجه‌ای از ثبات و پایداری برای کاوش اطلاعات، تفسیر می‌شود. اما در راهبردهای یادگیری شناختی، راهبری و نظم‌دهی یادگیری‌ها کانون توجه قرار می‌گیرد (اودفیلد، ۱۹۷۱؛ ۹۸).

در حوزه روان‌شناسی شناختی، اعتقاد بر این است که با توجه به نقش استعداد و عامل ذاتی هوش در یادگیری افراد، راهبردهای یادگیری شناختی به عنوان یک محرک غیرذاتی بر یادگیری، پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری‌های مناسب افراد تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد (وینشتاین و مایر، ۱۹۸۶؛ ۳۱۵). راهبردهای یادگیری شناختی، به‌عنوان مهارت‌ها و خصوصیات افراد و رویکرد پایدار آن‌ها بر روش‌های مدیریت، ایجاد گروه‌ها و روابط اجتماعی اثر می‌گذارد و بر این موضوع که افراد چگونه درباره وقایع پیرامون خود تصمیم‌گیری می‌کنند، تأثیرگذار می‌باشد (آندرسون، ۲۰۰۲؛ ۱). در واقع، نتایج تحقیق رسلان و همکاران (۲۰۱۷، ۱۵۷) نشان می‌دهد که بین

1. Goal-Oriented Approach
2. Reminiscence and Learning Strategies
3. Behavioral Approach
4. Cognitive Styles

راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان و قضاوت حرفه‌ای آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به طوری که در انجام کارهای مبتنی بر تجربه، حسابرسان با راهبرد یادگیری شناختی عینی و در انجام کارهای تحلیلی نیز، حسابرسان با برخورداری از راهبرد یادگیری شناختی انتزاعی، عملکرد بهتری دارند. بنابراین، حسابرسان در مراحل مختلف دریافت و ارائه اطلاعات به نتایج یکسانی نمی‌رسند. لذا با توجه به نقش اساسی راهبردهای شناختی در تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای، چنین به نظر می‌رسد که تعیین و ارتقا راهبردهای شناختی حسابرسان، می‌تواند دقت حسابرسان را در قضاوت حرفه‌ای و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه بهبود بخشد. از سوی دیگر، نتایج تحقیق فولر و کاپلان (۲۰۰۴، ۱۳۱) نشان می‌دهد که وجود رابطه معنی‌دار بین ویژگی‌های شناختی رفتاری حسابرسان و نوع کار آن‌ها، تصمیم‌گیری و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را ارتقا می‌دهد. همچنین، نتایج تحقیق چن و همکاران (۲۰۱۵، ۹۰۶) نیز نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری شناختی افراد بر درک این فرایند که کدام اطلاعات برای تصمیم‌گیری مهم و یا نامربوط هستند، تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین، راهبردهای یادگیری شناختی در تأثیر اطلاعات بر عملکرد افراد تأثیرگذار است.

### ۳-۲- نظریه راهبردهای یادگیری شناختی کرتن

توجه و علاقه به راهبردهای یادگیری شناختی از زمانی شکل گرفت که جهت‌گیری از دیدگاه رفتاری نگر به سمت رویکرد شناختی نگر تغییر مسیر داد. اساس توسعه رویکردهای شناخت‌گرایی به نیمه دوم قرن بیستم باز می‌گردد، به طوری که پس از نظریه یادگیری معنی‌داری کلامی آزوبل، نظریه یادگیری گشتالتی و نظریه یادگیری اجتماعی بندورا موضوع راهبردهای شناختی مطرح گردید. یکی از راهبردهای یادگیری که پس از نظریه‌های یادگیری و از جنبه شناختی مطرح شده است و به عنوان نظریه نوین شناختی تلقی می‌گردد، راهبردهای یادگیری شناختی کرتن می‌باشد که این راهبرد در چگونگی درک و پردازش اطلاعات توسط افراد در میان رویکردهای شناختی از اهمیت زیادی برخوردار است (دانکلارک، ۲۰۰۰؛ ۱).

در واقع، دو راهبرد شناختی پذیرنده<sup>۱</sup> و راهبرد شناختی پژوهنده<sup>۲</sup> توسط کرتن به عنوان رویکردهای یادگیری شناختی در سال ۱۹۹۹ مطرح شده است. این راهبردها معمولاً هنگامی که افراد در فعالیت‌های یادگیری موفق نمی‌باشند، به کار گرفته می‌شوند. راهبردهای یادگیری شناختی کرتن، به عنوان روش‌های برتر در فراگیری افراد، نحوه پاسخ به مسائل و چگونگی تصمیم‌گیری‌هایشان معرفی شده است. این راهبردها بر دو اصل پاسخ به مسأله و تصمیم‌گیری‌های مناسب پافشاری دارند (کرتن، ۱۹۹۹؛ ۱). لذا ویژگی‌های اساسی این راهبردها به شرح ذیل است: (۱) راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده: در بهره‌گیری این راهبرد یادگیری، افراد کلی‌نگر بوده و تلاش خود را بیشتر برای حل مسأله صرف می‌کنند تا طرح آن. در این راهبرد شناختی،

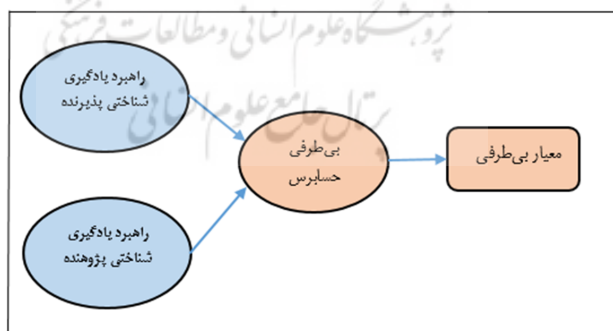
1. Adaptor Cognitive Strategy

2. Innovator Cognitive Strategy

افراد تمایل به یادگیری در محیط‌های سازمان نیافته مانند بحث‌ها و فعالیت‌های گروهی دارند. فراگیری افراد و تصمیم‌گیری‌های آنان در این رویکرد یادگیری، به شکل هیجانی و رفتارهای احساسی است. (۲) راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده: در بهره‌گیری این راهبرد شناختی، افراد به بررسی جزئیات تمایل دارند و تلاش خود را برای فراگیری مسأله تازه به‌جای حل مسأله صرف می‌کنند. گرایش افراد در این راهبرد یادگیری، به مفاهیم انتزاعی است و در یادگیری و جذب دانش به مجموعه‌هایی یکپارچه بر دیگران برتری دارند. در این راهبرد یادگیری شناختی، فراگیران دارای رویکرد تحلیلی هستند (شارپ، ۲۰۰۱؛ ۲). در راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده، افراد در استدلال قیاسی برتری دارند و افرادی کل‌نگر هستند. اما در راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده، افراد در انجام کارها انرژی زیادی صرف می‌کنند و در استدلال استقرایی برتری دارند (کرتن، ۱۹۹۹؛ ۱).

بنابراین، توانایی حسابرسان در کسب دانش و مهارت‌های فنی به‌واسطه راهبردهای یادگیری شناختی بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار می‌باشد. به طوری که، کسب دانش جدید و ارتقا مهارت‌های حسابرسان از طریق راهبردهای یادگیری مناسب بر نحوه پردازش صحیح و جمع‌آوری مناسب اطلاعات و همچنین بر ارزیابی بی‌طرفانه شواهد حسابرسی تأثیر مثبت دارد (سیریوردانه و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۹۳). لذا، بررسی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی کرتن بر بی‌طرفی حسابرس، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار خط‌مشی‌گذاران حرفه حسابرسی قرار دهد و زمینه گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در قلمرو قضاوت حرفه‌ای حسابرسان را فراهم نماید.

شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)



#### ۴-۲- پیشینه تجربی تحقیق

با بررسی متون مرتبط در حوزه‌های حسابداری و حسابرسی، مطالعاتی که تاکنون صورت پذیرفته به بررسی هر عامل به‌طور مجزا پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

### پیشینه تحقیقات داخلی

باقیان و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی طراحی مدل کیفیت حسابرسی بر پایه رویکرد رفتاری را بررسی نمودند. جامعه آماری مورد مطالعه را بیست نفر از خبرگان حرفه حسابرسی تشکیل می‌دهد و روش تحقیق مورد استفاده نیز تحلیل داده بنیان بوده است. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی و پاسخ‌خواهی مالی، اهمیت درک ذات انسان، برخورد محیط، روابط با جامعه، کنش دولت و موانع سیاسی به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر کیفیت حسابرسی تلقی می‌شوند.

پیکرنگار قلعه‌رودخانی و همکاران (۱۳۹۹)، سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرس را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق کلیه حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی و در روش تحقیق نیز از مدلیابی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سبک‌های قضاوت‌گر، سلسله مراتبی، تک‌سالاری، قانون‌گذارانه و کلی‌نگر با بی‌طرفی حسابرسان رابطه‌ای ندارند. اما سبک‌های تفکر محافظه‌کار، آزاد اندیش، درون‌نگر، برون‌نگر و اجرایی با بی‌طرفی حسابرسان رابطه مثبت و معنی‌دار دارند.

سعیدی گراغانی و ناصری (۱۳۹۶)، در تحقیقی تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرس را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه حسابرسان شاغل در حرفه حسابرسی بود و در انجام تحقیق از یک طرح آزمایشی استفاده شد و داده‌های تحقیق نیز با به‌کارگیری آزمون تی استیودنت مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که عواملی مانند اعتماد به نفس، تجربه و جنسیت منجر به تفاوت در قضاوت حرفه‌ای حسابرسان می‌شود.

هرمزی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی سوگیری‌های روان‌شناختی فردی که می‌تواند بر اعمال تردید حرفه‌ای توسط حسابرس تأثیرگذار باشد را مورد مطالعه قرار دادند. کلیه حسابرسان شاغل در بخش خصوصی و سازمان حسابرسی جامعه آماری تحقیق را تشکیل داده است و از آزمون تی استیودنت، آماره کای دو پیرسون و آماره کرامر جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که هر سه سوگیری اطمینان بیش از اندازه، نقطه اتکا و دسترس بودن بر تردید حرفه‌ای حسابرسان تأثیر منفی دارد و وجود این سوگیری‌ها، توانایی حسابرسان جهت اعمال سطح مناسبی از تردید حرفه‌ای در فرایند حسابرسی را تقلیل می‌دهند.

حکیمی و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی رابطه راهبردهای یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق کلیه دانشجویان مجازی دانشگاه اصفهان بود و داده‌های تحقیق بر اساس آزمون تی مستقل و ضریب همبستگی مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری بین راهبردهای یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی وجود دارد. همچنین، راهبردهای یادگیری در تعیین تغییرات پیشرفت تحصیلی معنی‌دار بوده و بین دو جنس مذکر و مونث دانشجویان اختلاف معنی‌داری در راهبردهای یادگیری، ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی وجود ندارد.



## پیشینه تحقیقات خارجی

اورمتزر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی برای تغییر جهت ساختن اقتصاد پایدار را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری تحقیق دربرگیرنده کلیه دانشجویان اقتصاد دانشگاه فناوری مونیخ بود. پژوهش از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود که طی ۱۰ جلسه ۳۵ دقیقه‌ای در گروه آزمایشی اجرا شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری شناختی با ترکیب عوامل جدیدی مانند ارتباطات، مشارکت و پیامد ارزش‌های شخصی تأثیر مهمی در دانش تحولی برای ساختن اقتصاد پایدار دارد.

زیدنی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی از طریق تجربه را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان روان‌شناسی دانشگاه سینسیناتی آمریکا بود. آن‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر به این نتیجه رسیدند که عوامل مربوط به محیط‌های یادگیری مانند فراهم بودن همکاری فعال، تقویت اعتماد و برقراری عدالت در قالب ساختارهای انعطاف‌پذیر بر راهبردهای یادگیری شناختی افراد تأثیر دارد.

سها و شارما<sup>۳</sup> (۲۰۱۹)، در تحقیقی تأثیر راهبردهای یادگیری مدیران بر عملکرد آن‌ها را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه مدیران مالی صنایع مختلف کشور هند بود. داده‌های تحقیق از طریق آزمون رگرسیون چندگانه با روش ورود همزمان مورد تحلیل قرار گرفت. آن‌ها دریافتند که احساسات شهودی و انواع تفکر بصری راهبردهای یادگیری به ترتیب برای آگاهی و شناخت و انجام انواع کارها مناسب هستند. لذا برای انجام کار سازمانی، ویژگی شخصیتی با وجدان کاری برای مدیران حائز اهمیت است.

مارگونایاسا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹)، در پژوهشی تأثیر راهبرد یادگیری هدایت شده و سبک‌شناختی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان حسابداری را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان حسابداری دانشگاه پن‌دیدیکان گانشا آندونزی بود. نتایج تحقیق با استفاده از روش تحلیل همبستگی کانونی نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دانشجویانی که با راهبرد یادگیری هدایت شده و دانشجویانی که با راهبرد یادگیری معمولی آموخته‌اند، وجود دارد. همچنین، بین راهبرد یادگیری هدایت شده و سبک‌شناختی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان نیز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

ویلر<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، در تحقیقی رابطه راهبردهای یادگیری با عملکرد و رفتار اطلاع‌جویی افراد را بررسی نمود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان روان‌شناسی کالج اونونداگان نیویورک بود. نتایج تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که راهبردهای یادگیری

1. Urmeter et al
2. Zydny et al
3. Saha & Sharma
4. Margunayasa et al
5. Weiler

با عملکرد افراد و رفتار اطلاع‌جویی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. از این‌رو، راهبردهای یادگیری به افراد کمک می‌کند تا اطلاعات جدید را با ترکیب اطلاعات قدیم در حافظه بلندمدت انباشت کنند. لذا افرادی که آگاهی و مهارت خود را بیش از واقع ارزیابی می‌کنند، به جستجوی دانش کمتری مشغول می‌شوند و تصمیم‌گیری‌های خود را در بستر اطلاعات ناکافی اتخاذ می‌کنند. هانسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، در پژوهشی اثر حجم اطلاعات و سبک یادگیری بر کیفیت تصمیم‌گیری حسابرسان مشغول به کار در ایالت نبراسکا آمریکا در شرایط دشوار مالی را مورد بررسی قرار داد. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده حسابرسان شاغل در کلیه رده‌های حسابرسی بود. داده‌های تحقیق از طریق مدل تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون طرح اندازه‌های مکرر تجزیه و تحلیل شد. در این بررسی، حسابرسان بر اساس پرسش‌نامه سبک یادگیری کلب به دو دسته حسابرسان دارای سبک یادگیری عینی و حسابرسان دارای سبک یادگیری انتزاعی تقسیم شدند و از آن‌ها خواسته شد احتمال ورشکستگی شرکت‌های واقعی مورد بررسی را در سال مالی آتی پیش‌بینی نمایند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پردازش اطلاعات در حسابرسان دارای سبک یادگیری انتزاعی بهتر و این گروه از حسابرسان اظهارنظرهای مناسب‌تری دارند.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

مایرز شاخص نوع مایرز بریگز را تدوین نمود تا با استفاده از آن، نظریه انواع روان‌شناختی یونگ (۱۹۷۱) را آزمون کند. در این اندازه‌گیری، اجزای یادگیری شامل دو بعد دو قطبی و مستقل ادراک و قضاوت است. لذا، این دو بعد با یکدیگر شیوه‌های یادگیری تجربی عینی و یادگیری تجربی انتزاعی را تشکیل می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان دارای شیوه یادگیری تجربی عینی زمینه کار را به عنوان یک کل یکپارچه در نظر می‌گیرند و این افراد مشکلات جدید و غیرساختاری را ترجیح می‌دهند. اما حسابرسان با شیوه یادگیری انتزاعی مشکلات ساختاری و پیچیده را ترجیح می‌دهند (مایرز، ۱۹۷۷؛ ۴۴۹). تحقیقات رفتاری در حسابرسی بر این نکته تأکید دارند که حسابرسان بر اساس پردازش مناسب اطلاعات به قضاوت حرفه‌ای می‌پردازند و هر اندازه پردازش اطلاعات و ارزیابی شواهد در بستر راهبردهای شناختی مناسب به شکل دقیق‌تر انجام گیرد، قضاوت حرفه‌ای حسابرس با کیفیت‌تر خواهد شد. بنابراین، تفاوت‌های فردی حسابرسان مانند راهبردهای یادگیری شناختی می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه و قضاوت حرفه‌ای حسابرس تأثیرگذار باشد (بالکر، ۲۰۰۰؛ ۱). لذا با توجه به پرسش اصلی و هدف تحقیق حاضر و همچنین با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، فرضیه‌های مورد بررسی در این پژوهش به شرح ذیل تدوین می‌شود:

فرضیه اصلی: راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان به روش کرتن بر بی‌طرفی (قضاوت حرفه‌ای) آنان تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه اول: راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان به روش پذیرنده بر بی‌طرفی آنان تأثیر

معنی داری دارد.

**فرضیه دوم:** راهبردهای یادگیری شناختی حسابرسان به روش پژوهنده بر بی طرفی آنان تأثیر معنی داری دارد.

#### ۴- روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی-پیمایشی است. با توجه به هدف نیز، از نوع تحقیقات کاربردی تلقی می شود و نتایج آن را می توان در عمل به کار گرفت و در راستای ارتقا و بهبود کیفیت فرایند عملیات حسابرسی مورد استفاده قرار داد. از لحاظ نوع داده، این تحقیق کمی و بر حسب زمان اجرای پژوهش، تحقیق مزبور مقطعی است. ابزار کار پژوهش حاضر پرسش نامه می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه حسابرسان شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران واقع در محدوده جغرافیای تهران در سال ۱۳۹۹ است که انتخاب منطقه جغرافیای مورد مطالعه به دلیل پراکندگی و گستردگی ماهیت کار حسابرسان در این موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی می باشد که حداکثر اطلاعات لازم جهت بررسی را در اختیار قرار می دهد. لذا با توجه به تعداد نامحدود و عدم دسترسی به آمار دقیق آن ها، از روش مشخص کردن حجم نمونه در مدل سازی معادلات ساختاری برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. این روش در قالب دو مرحله شامل الگوی اندازه گیری و الگوی ساختاری به آزمون الگو می پردازد که اعتبار و روایی ابزارهای اندازه گیری را به واسطه الگوی اندازه گیری و فرضیه ها را نیز از طریق الگوی ساختاری آزمون می کند (چابن، ۱۹۹۸؛ ۲۲). به دلیل آن که روش مدل سازی معادلات ساختاری، تشابه زیادی با بعضی از ویژگی های رگرسیون چند متغیری دارد، لذا از قواعد این روش برای تعیین حجم نمونه در مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شده است. بر اساس این روش، تعیین حجم نمونه باید برای هر متغیر اندازه گیری شده بین ۵ تا ۱۵ ( $5q \leq n \leq 15q$ ) مشاهده باشد که در این صورت  $q$  تعداد متغیرهای مشاهده شده و  $n$  حجم نمونه می باشد (هومن، ۱۳۹۵؛ ۱۵۳). با توجه به تعداد سوال (گویه) های پرسش نامه که ۲۱ گویه می باشد، طبق اصول مدلیابی معادلات ساختاری حداقل به تعداد  $(5 \times 21) = 105$  نمونه نیاز می باشد. به منظور تعمیم پذیری بهتر و دقیق نتایج تحقیق به جامعه آماری نامحدود پژوهش، تعداد ۵۵۰ پرسش نامه توزیع گردید که با پیگیری های فراوان از تعداد ۵۲۹ پرسش نامه دریافت شده، ۵۱۷ پرسش نامه قابل استفاده تشخیص و مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از روش نمونه گیری احتمالی (تصادفی) ساده به منظور انتخاب آزمودنی ها بهره گیری شده است.

#### ۴-۱- متغیرها و نحوه اندازه گیری

در این پژوهش "بی طرفی" (قضاوت حرفه ای) حسابرس "به عنوان متغیر وابسته است. بی طرفی، به این شکل تحلیل می شود که حسابرسان نباید در باورها و عقاید خود سوگیری کنند و جهت گیری مثبت یا منفی در نگرش خود نداشته باشند (فودورو، ۲۰۱۳؛ ۵). " راهبردهای

یادگیری شناختی" نیز به عنوان متغیر مستقل می‌باشد. این راهبردها، استراتژی‌های یادآوری و یادگیری هستند که زمینه انباشت اطلاعات در حافظه بلندمدت و پردازش و ارزیابی مناسب شواهد را فراهم می‌کنند (لفرانکوئیس، ۱۹۹۷؛ ۱۲۳). برای اندازه‌گیری متغیر راهبردهای یادگیری شناختی از پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی کرتن (۱۹۹۹) استفاده شده است. این پرسش‌نامه با ۲۰ گویه به سنجش دو راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده (۱۰ گویه) و راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده (۱۰ گویه) با طیف پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً ناسازگار تا کاملاً سازگار مرتب شده است. همچنین برای اندازه‌گیری متغیر بی‌طرفی (فضاوت حرفه‌ای) حسابرس نیز، از پرسش‌نامه اسونبرگ و اوهمن (۲۰۱۷) استفاده شده است. این پرسش‌نامه بر اساس انتخاب آزمودنی از طریق علامت زدن یک عدد در دامنه اعداد ۱ تا ۱۰ می‌باشد که ارزیابی حسابرس در خصوص ثبت یا عدم ثبت بدهی در حساب‌ها، از هر پاسخ‌دهنده مورد پرسش قرار گرفته است.

#### ۲-۴- رویایی و پایایی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از رویایی سازه برای تعیین رویایی پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است. رویایی سازه، یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های محاسبه رویایی تلقی می‌گردد. بررسی رابطه همگرایی نشانگرها با سازه با برخورداری از بارعاملی بالا، به‌واسطه عامل تأییدی مشخص می‌شود که این موضوع در رویایی سازه بررسی می‌گردد (هومن، ۱۳۹۵؛ ۲۳۴). لذا، از دو نوع رویایی همگرا و واگرا استفاده شد. بنابراین، ضرایب معنی‌داری تمام بارهای عاملی یعنی T-Value در یافته‌های تحقیق بزرگ‌تر از ۲/۵۸ است. یعنی تمامی بارهای عاملی با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد و همچنین، مقادیر تمام بارهای عاملی نیز بالای ۰/۵ است. به دلیل آن‌که میانگین واریانس استخراج شده مؤلفه‌ها بالای ۰/۵ است و پایایی ترکیبی هر یک از مؤلفه‌ها نیز از میانگین واریانس استخراج شده آن‌ها بیشتر می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که رویایی همگرا سازه‌های مدل تأیید می‌گردد. همچنین، از آزمون فورنل و لارکر و آزمون بار عرضی برای بررسی رویایی واگرا در این تحقیق استفاده شد. بیشتر بودن جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر نهفته از حداکثر رابطه آن متغیر با دیگر متغیرهای نهفته، از طریق آزمون فورنل و لارکر تعیین می‌گردد و نتایج آزمون بار عرضی نیز نشان می‌دهد که بارهای عاملی همان متغیر مشاهده‌پذیر بر متغیرهای نهفته دیگر، حداقل ۰/۱ کمتر از بار عاملی هر متغیر مشاهده‌پذیر بر روی متغیر نهفته متناظرش می‌باشد. بنابراین نتایج دو آزمون فورنل و لارکر و آزمون بار عرضی، رویایی واگرا این تحقیق را تأیید می‌کند. همچنین، در این تحقیق از دقیق‌ترین روش پایایی شامل روش آلفای کرونباخ و روش پایایی ترکیبی استفاده شد. طبق جدول ۱ مقادیر این دو ضریب برای کلیه سازه‌ها بالای ۰/۷ است. بنابراین پایایی مقیاس‌های تحقیق مورد تأیید می‌باشد. به دلیل آن‌که ضریب پایایی ترکیبی خرده مقیاس‌ها بیشتر از ۰/۷ ( $CR > 0.7$ )، ضریب پایایی ترکیبی بیشتر از میانگین واریانس استخراج

شد ( $CR > AVE^1$ ) و میانگین واریانس استخراج شده نیز بیشتر از  $0.5 > AVE$  است، روایی همگرا تأیید می‌شود. از آنجا که میانگین واریانس استخراج شده خرده مقیاس‌ها بیشتر از حداکثر واریانس مربع به اشتراک گذاشته شده ( $MSV < AVE^2$ ) و میانگین واریانس استخراج شده بیشتر از میانگین واریانس مربع مشترک ( $ASV < AVE^3$ ) می‌باشد، روایی واگرا نیز تأیید می‌گردد.

جدول ۱- نتایج ضرایب روایی و پایایی خرده مقیاس‌های پرسش‌نامه‌های پژوهش

مقیاس	آلفای کرونباخ	CR	AVE	MSV	ASV	۱	۲	۳
راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده	۰/۷۶	۰/۸۵	۰/۶۱	۰/۳۸	۰/۳۴	۰/۷۳	-	-
راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۵۷	۰/۳۹	۰/۲۷	۰/۳۷	۰/۸۱	-
بی طرفی (قضاوت) حسابرسان	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۵۳	۰/۱۷	۰/۳۱	۰/۳۹	۰/۲۸	۰/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۵- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو بخش ارائه می‌گردد. بخش اول بیانگر آمارهای توصیفی و بخش دوم به نتایج حاصل از آمارهای استنباطی در خصوص آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد.

### ۵-۱- آمارهای توصیفی

توصیف داده‌های دموگرافیک تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع نمونه آماری این تحقیق که ۵۱۷ نفر هستند، تعداد ۱۳۶ نفر زن و بقیه مرد می‌باشند. سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها شامل ۴۴ درصد کارشناسی، ۵۱ درصد کارشناسی ارشد و ۵ درصد دکتری است. سابقه کار حرفه‌ای ۴۲ درصد مشاهدات کمتر از ۱۰ سال، ۳۰ درصد بین ۱۰ الی ۲۰ سال و ۲۸ درصد آن‌ها بیشتر از ۲۰ سال می‌باشد. همچنین رده سازمانی پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه‌ها ۲۵ درصد حسابرسان، ۳۳ درصد حسابرسان ارشد، ۳۱ درصد سرپرست و ۱۱ درصد بقیه دربرگیرنده سرپرست ارشد، مدیر و شریک می‌باشند. بررسی شواهد نمونه آماری تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد هستند. به دلیل آن که حرفه حسابرسان با توجه به ماهیت کار، حرفه‌ای مردسالار است، لذا چنین توزیعی منطقی به نظر می‌رسد. در جدول ۲، شاخص مرکزی میانگین و شاخص‌های پراکندگی از جمله انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای

1. Average Variance Extracted
2. Maximum Shared Squared Variance
3. Average Shared Squared Variance

متغیرهای کمی تحقیق محاسبه شده است.

جدول ۲- نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده	۱	۵	۳/۰۲	۰/۴۳	۰/۰۰	۰/۱۲
راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده	۱	۵	۲/۹۵	۰/۴۳	۰/۲۲	-۰/۲۸
بی‌طرفی (قضاوت) حساسیت	۱	۱۰	۶/۶۸	۳/۱۶	-۰/۰۲	-۰/۵۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

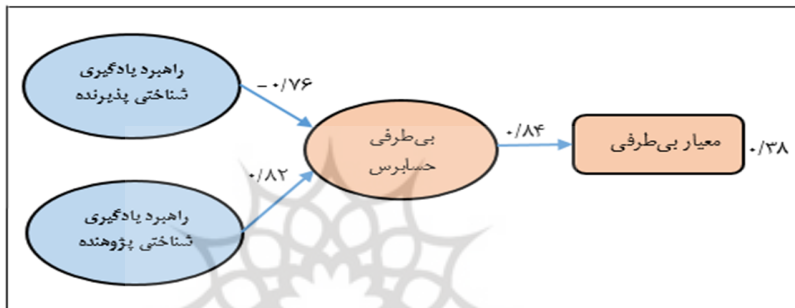
## ۲-۵- آمارهای استنباطی

نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت که مقدار سطح معنی‌داری برای کلیه متغیرهای تحقیق بیشتر از (۰/۰۵) است. این نتیجه نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها برای متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشد و فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. به منظور آزمون فرضیه‌های اول و دوم این پژوهش، ابتدا رابطه بین راهبردهای یادگیری شناختی به روش کردن و بی‌طرفی حساسیت مورد بررسی قرار گرفت. لذا، برای تعیین ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده به میزان (۰/۸۳۴-) با بی‌طرفی حساسیت رابطه منفی دارد و راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده به میزان (۰/۸۶۵) با بی‌طرفی حساسیت رابطه مثبت دارد. از این رو، با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری آزمون از مقدار (۰/۰۵)، می‌توان بیان نمود که روابط فوق معنی‌دار است. در ادامه، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تأییدی، تأثیرگذاری راهبردهای یادگیری شناختی به روش کردن بر بی‌طرفی حساسیت مورد بررسی قرار گرفت. لذا نمودار مسیر برازش به شرح ادامه به‌دست آمد.

در آزمون فرضیه اول، راهبرد یادگیری پذیرنده تأثیر منفی (۰/۷۶-) بر بی‌طرفی حساسیت دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد یادگیری، متغیر بی‌طرفی حساسیت به میزان (۰/۷۶-) واحد و خلاف جهت این راهبرد تغییر می‌کند. اما در آزمون فرضیه دوم، راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده تأثیر مثبت (۰/۸۲) بر بی‌طرفی حساسیت دارد. به عبارتی، با هر واحد تغییر در این راهبرد یادگیری، متغیر بی‌طرفی حساسیت به میزان (۰/۸۲) واحد و هم‌جهت با این راهبرد تغییر می‌کند. در آزمون فرضیه اول، تأثیر راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده بر بی‌طرفی حساسیت از نظر آماری نیز معنی‌دار می‌باشد، زیرا آماره T-Value برابر ۶/۷۳- است که قدر مطلق آن از

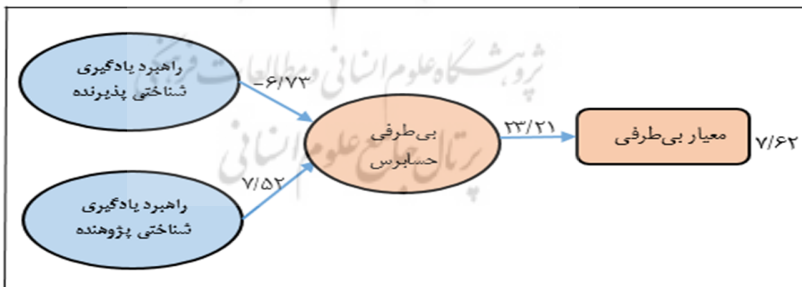
مقدار  $1/96$  بیشتر می‌باشد. بنابراین، فرضیه اول که بیانگر تأثیر متغیر راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده بر بی‌طرفی حساسیت است، در سطح اطمینان  $99\%$  درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حساسیت نیز کاهش می‌یابد. همچنین در آزمون فرضیه دوم، تأثیر راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده بر بی‌طرفی حساسیت از نظر آماری نیز معنی‌دار می‌باشد، زیرا آماره  $T$ -Value برابر  $7/52$  است که این میزان از مقدار  $1/96$  بیشتر می‌باشد.

شکل ۲- نتایج آزمون فرضیه‌ها در حالت استاندارد



منبع: یافته‌های پژوهشگر

شکل ۳- نتایج آزمون فرضیه‌ها در حالت معنی‌داری



منبع: یافته‌های پژوهشگر

بنابراین، فرضیه دوم در سطح اطمینان  $99\%$  درصد تأیید می‌شود. یعنی، هرچقدر راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده افزایش یابد، کیفیت قضاوت حرفه‌ای حساسیت نیز افزایش می‌یابد. جدول ۳- نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه	عنوان فرضیه‌ها	ضرایب مسیر	آماره T	نتیجه
اول	تأثیر راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده بر بی طرفی حسابرس	-۰/۷۶	-۶/۷۳	عدم رد
دوم	تأثیر راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده بر بی طرفی حسابرس	۰/۸۲	۷/۵۲	عدم رد

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج ضرایب مسیر و آماره تی به دست آمده از یافته‌های تحقیق، وجود تأثیر هر دو راهبرد یادگیری شناختی به روش کردن بر بی طرفی حسابرس را در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌کند. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که راهبردهای یادگیری شناختی به روش کردن بر بی طرفی حسابرس تأثیر دارند. از این رو با توجه به ضرایب مسیر در آزمون فرضیه‌های پژوهش، راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده و راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی متغیر بی طرفی حسابرس دارند. همچنین جهت سنجش مطلوبیت مدل، نتایج مهمترین شاخص‌های ارزیابی برازش الگوی مفهومی در جدول ۴ ارائه شده است. لذا، نتایج نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها دارای کفایت آماری بوده و همخوانی الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۴- نتایج ارزیابی برازش کل الگوی مفهومی پژوهش

نام شاخص	اختصار	مقادیر محاسبه شده	برازش قابل قبول
سطح تحت پوشش (کای اسکور)	-	۵۴۲/۷۳	-
کای اسکور بر درجه آزادی	df/X <sup>2</sup>	۲/۵۶	کوچک‌تر از ۳
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۶	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص نیکویی اصلاح شده	AGFI	۰/۹۳	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۷	بزرگ‌تر از ۰/۹
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۶۱	کوچک‌تر از ۰/۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

### ۶- بحث و نتیجه‌گیری

شناخت در نتیجه پردازش اطلاعات توسط افراد به دست می‌آید و بر نحوه تفسیر و پردازش مناسب اطلاعات، تأثیرگذار می‌باشد. در همین راستا، راهبردهای یادگیری شناختی در پیشرفت



شناختی و تصمیم‌گیری‌های بی‌طرفانه افراد تأثیرگذار است (برگر و کارابنیک، ۲۰۱۱؛ ۴۱۸). از این‌رو، درک ویژگی‌های شخصیتی افراد و تعیین نوع راهبردهای یادگیری شناختی آنان، می‌تواند به تبیین اختلافات موجود در الگوهای اطلاع‌جویی یاری رساند (وینشتاین و مایر، ۱۹۸۶؛ ۳۱۷). به همین منظور، کسب دانش جدید و پردازش مناسب اطلاعات در چارچوب راهبردهای یادگیری شناختی به منظور ارزیابی بی‌طرفانه شواهد و قضاوت حرفه‌ای با کیفیت، امری ضروری تلقی می‌گردد (فورد و پاسوارک، ۲۰۱۵؛ ۳۱).

برای تحقق هدف پژوهش، ابتدا رابطه همبستگی بین راهبردهای یادگیری شناختی و بی‌طرفی حسابرس مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس تأثیرگذاری این راهبردها بر بی‌طرفی حسابرس از طریق مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. در آزمون فرضیه اول، مشخص گردید که راهبرد یادگیری شناختی پذیرنده بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر منفی و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش، حسابرسان در این نوع راهبرد شناختی، در بی‌طرفی و قضاوت حرفه‌ای ضعیف عمل می‌کنند. چراکه طبق ادبیات نظری، حسابرسان با این نوع راهبرد یادگیری شناختی کل‌نگر هستند و از رویکرد احساسی و هیجانی برخوردار می‌باشند که این موضوع موجب می‌شود تا در ارزیابی بی‌طرفانه شواهد و تصمیم‌گیری‌های مناسب، ضعیف عمل کنند. اما در آزمون فرضیه دوم مشخص گردید که راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده بر بی‌طرفی حسابرس تأثیر مثبت و معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد. چراکه طبق ادبیات نظری، حسابرسان با این نوع راهبرد شناختی از طریق جمع‌آوری شواهد حسابرسی کافی و مناسب و پردازش صحیح آن‌ها، بهتر می‌توانند عدم رعایت قوانین و مقررات و استانداردها را بررسی و تصمیمات بدون سوگیری مثبت یا منفی را اتخاذ کنند. از این‌رو، دستاورد این تحقیق با یافته‌های پژوهش حکیمی و همکاران (۱۳۹۳)، پینکاس (۱۹۹۰)، آندرسون (۲۰۰۲)، فولر و کاپلان (۲۰۰۴)، ویلر (۲۰۰۵)، چن و همکاران (۲۰۱۵)، رسلان و همکاران (۲۰۱۷)، مارگانایاسا و همکاران (۲۰۱۹)، ساها و شارما (۲۰۱۹) و زیدنی و همکاران (۲۰۲۰) همسویی غیرمستقیم دارد و به دلیل نوآوری این پژوهش، تحقیق همانند یافت نشد.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به موسسات حسابرسی پیشنهاد نمود به منظور نظارت بهتر بر عملکرد حسابرسان، تدابیری اتخاذ گردد تا در ارتقا رتبه شغلی آنان، علاوه بر تمرکز به مهارت‌های فنی و سایر صلاحیت‌های عمومی، از طریق پرسش‌نامه راهبردهای یادگیری شناختی، نوع راهبردهای شناختی آنان نیز مورد توجه قرار گیرد. در ضمن، تدابیری اتخاذ نمایند تا از طریق سنجش راهبردهای یادگیری، حسابرسان با راهبرد یادگیری شناختی پژوهنده برای کارهای ترکیبی (شهودی و تحلیلی) به‌کار گرفته شوند. همچنین با برگزاری سمینارهای تخصصی و آموزشی، اهمیت بی‌طرفی و تأثیر راهبردهای شناختی بر ارزیابی بی‌طرفانه شواهد جهت بهبود تصمیم‌گیری و عملکرد حسابرسان، مورد تأکید قرار گیرد.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد، تأثیر راهبردهای یادگیری شناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان و همچنین بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان حسابداری، مورد بررسی قرار گیرد.

در واقع، محدودیت اصلی این پژوهش آن است که تعمیم نتایج این تحقیق به نمونه‌های دیگر در زمان‌های آتی، باید با احتیاط انجام شود.

### فهرست منابع

#### الف- منابع فارسی:

۱. باقیان، فاطمه؛ حجازی، رضوان و امام وردی، قدرت اله. (۱۳۹۹). ارائه مدل کیفیت حسابرسی بر اساس رویکرد رفتاری، فصلنامه دانش حسابرسی، ۲۰ (۷۹): ۱۷۸-۲۰۰.
۲. پیکرنگار قلعه‌رودخانی، صدیقه؛ بنی‌مهد، بهمن؛ خردیار، سینا و وکیلی‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۹). سبک‌های تفکر و بی‌طرفی حسابرسان، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹ (۳۵): ۶۹-۸۲.
۳. حکیمی، ثریا؛ حجازی، الهه و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری و ویژگی‌های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه تهران. فصلنامه شناخت و تفاوت‌های فردی، ۳ (۶): ۱-۲۵.
۴. دانش‌فرد، کرم‌اله؛ فقیهی، ابوالحسن و رادمنش، ناهید. (۱۳۹۷). پیشران‌های رفتاری و اخلاقی پایبندی مدیران به قوانین عدالت سازمانی: بررسی نقش محوری انگیزه‌ها و اختیارات مدیران. فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، ۹ (۱): ۷۹-۱۰۶.
۵. سعیدی‌گراغانی، مسلم و ناصری، احمد. (۱۳۹۶). تفاوت‌های فردی و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹ (۳۶): ۱۱۱-۱۲۹.
۶. هومن، حیدر علی. (۱۳۹۵). مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل (با اصلاحات). چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
۷. هرمزی، شیرکو، نیکومرام، هاشم، رویایی، رمضانعلی و رهنمای‌رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سوگیری‌های روان‌شناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶ (۲۲): ۱۲۳-۱۴۸.

#### ب- منابع انگلیسی:

1. Ajzen, I. (2005). Attitudes, personality, and behavior. Berkshire: Open University Press.
2. Antonanzas, J. L. & Lorente, R. (2017). Study of learning strategies and cognitive capacities in hearing and non-hearing pupils, Procedia-Social and Behavioral Sciences, 237: 1196-1200.
3. Anderson, N. J. (2002). The role of metacognition in second Language Teaching and Learning. Eric Digest, Brigham Young University.
4. Benston, G. J. & Hartgraves, A. L. (2002). Enron: What happened and what we can learn from it. Journal of Accounting and Public Policy, 21 (2): 105-127.
5. Balkir, I. (2000). Effect of Analytical Review Results, Optimism, and Pattern for Coping on Audit Effort of Acco.
6. Berger, J. L. & Karabenick, S. A. (2011). Motivation and students' use of learning strategies: Evidence of unidirectional effects in mathematics classrooms. learning and Instruction, 21 (3): 416-428.
7. Cuixin, P. (2012). Self-regulated Learning Behavior of College Students of Science and their Academic Achievement. Physics Procedia, 33: 1446-1450.
8. Chen, M. H., Chang, Y. Y. & Lo, Y. H. (2015). Creativity cognitive style, conflict, and career success for creative entrepreneurs. Journal of Business Research, 68 (4): 906-910.
9. Cushing, B. E. (2000). Economic analysis of skepticism in an audit setting. In 14th Symposium on Auditing Research, eds. Solomon, I. And Peecher, 1-3. The University of Illinois at Urbana-Champaign: Office of Accounting Research.
10. Chung, J., Cohen, J., & Monroe, G. S. (2008). The effect of moods on audit or inventory

- valuation decisions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27 (2): 137-159.
11. Chin, w. w. (1998). Issues and opinion on structural equation modeling. *MIS Quarterly*, 22 (1): vii-xvi.
  12. Dembo, M. H. (2002). *Applying Educational Psychology*. (5th ed), New York: Longman.
  13. Don Clark, Q. (2000). Learning styles. How we go from the unknown to the known, [Http://learning Styles. com](http://learning Styles. com).
  14. Fuller, L. R. & Kaplan, S. E. (2004). A note about the effect of auditor cognitive style on task performance, *Behavioral Research in Accounting*, 16 (1): 131-143.
  15. Fjodorowa, O. (2013). A Proposal to Increase Auditor Independence in Fact and in Appearance, <http://www.academia.edu>.
  16. Ford, C. o., Pasewark, W. R. (2015). The Effects of the Need for Cognition in Audit Sampling, In *Advances in Accounting Behavioral Research*. Published online: 29-52.
  17. Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York, NY:30-46.
  18. Hansen, J. D. (1993). The effect of information load and cognitive style on decision quality in a financial distress decision task, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, The University of Nebraska-Lincoln.
  19. Hunt, R. R. & Ellis, H. C. (2003). *Fundamentals of Cognitive Psychology*. 7th Edition, V.S: brows & benchmark (WCB) publishers.
  20. Kirton, M. J. (1999). *Kirton Adaption-Innovation Inventory manual* (3rd ed.). Berkhamsted, UK: Occupational Research Centre.
  21. Lefrancois, G. R. (1997). *Psychology for Teaching*. Wadsworth, International Edition.
  22. Myers, I. B. (1977). *Myers Briggs Type indicator*, Palo alto, CA: consulting psychologists press.
  23. Margunayasa, I. G., Dantes, N., Marhaeni, A. & Suastra, I. W. (2019). The Effect of Guided Inquiry Learning and Cognitive Style on Science Learning Achievement. *International Journal of Instruction*, 12 (1): 737-750.
  24. Nelson, M. (2009). A model and literature review of professional skepticism in auditing. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28 (2): 1-34.
  25. Oldfield, R. C. (1971). The assessment and analysis of handedness: The Edinburgh Inventory. *Journal of Neuro psychology*, 9 (1): 97-113.
  26. Pincas, K. V. (1990). Auditor individual differences and fairness of presentation judgments, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 9 (1): 150-166.
  27. Reurink, A. (2018). Financial fraud: A literature review. *Journal of Economic Surveys*, 32 (5): 1292-1325.
  28. Raslan, I., Hegazy, M., & Eldawla, M. K. (2017). Quality Control Elements and Auditor Fraud Risk Assessment: An Experimental Study. *Journal of Accounting and Finance*, 16 (2): 157-178.
  29. Salarian, M., Ibrahim, R., & Nemati, K. (2012). The relationship between User's cognitive style and information-seeking behavior among postgraduate engineering students, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 56 (8): 461-465.
  30. Siriwardane, H. P., Kin Hoi Hu, B. & Low, K. V. (2014). Skills, knowledge, and attitudes important for present-day auditors, *Internal Journal of Auditing*, 18 (3):193-205.
  31. Sharp, J. E. (2001). Teaching teamwork communication with kolb learning style theory. Pages F2C-1-2vol.2, [www.learning styles.com](http://www.learning styles.com).
  32. Saha, S. & Sharma, R. R. K. (2019). The impact of personality and cognitive style of managers on their work types. *Journal of Management Development*, 38 (1): 58-71.
  33. Svanberg, J. & Ohman, P. (2017). Does Charismatic Client Leadership Constrain treatment of opportunity costs in resource allocation decisions. *Accounting, Organizations, and Society*, 16: 27-46.
  34. Spathis, C. (2002). Detecting False Financial Statements Using Published Data: Some Evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*, 17 (4): 179-191.

35. Urmetzer, S., Lask, J., Vargas-Carpintero, R., & Pyka, A. (2020). Learning to change: Transformative knowledge for building a sustainable bioeconomy. *Ecological Economics*, 167 (1): 106-135.
36. Weiler, A. (2005). Information-seeking behavior in Generation Y students: Motivation, critical thinking, and learning theory. *The Journal of Academic Librarianship* 31 (1): 46-53.
37. Weinstein, C. E. & Mayer, R. E. (1986). the teaching of learning strategies, In M. Wittrock (Ed.). *The handbook of Research on Teaching*, New York: Macmillan: 315-327.
38. Zydney, J. M., Warner, Z., & Angelone, L. (2020). Learning through experience: Using design-based research to redesign protocols for blended synchronous learning environments. *Computers & Education*, 143 (1): 103- 125.



## اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳

فاطمه عادل قلی کندی<sup>۱</sup>

امید عادل قلی کندی<sup>۲</sup>

### چکیده:

از آنجایی که کمیته حسابررسی هم با حسابرسان داخلی و هم با حسابرسان مستقل در ارتباط است، بنابراین افزایش کیفیت حسابررسی داخلی و حسابررسی خارجی، منجر به بالا رفتن اثربخشی کمیته حسابررسی خواهد شد و در نتیجه کمیته حسابررسی می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش ریسک‌های شرکت داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. برای اندازه‌گیری اثربخشی کمیته حسابررسی از سه ویژگی اندازه کمیته حسابررسی، استقلال کمیته حسابررسی و تخصص مالی کمیته حسابررسی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق پس از اعمال برخی محدودیت‌های موجود در پژوهش، شامل ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. شواهد پژوهش نشان داد که بین اندازه کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که بین استقلال کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین تخصص مالی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین استقلال کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به علاوه، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابررسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. این نتایج مبین اثربخشی کمیته حسابررسی در بهبود مدیریت ریسک سازمان است که در این بین، ارتباطات سیاسی می‌تواند میزان اثربخشی کمیته حسابررسی بر مدیریت ریسک سازمانی را کاهش دهد.

**واژه‌های کلیدی:** کمیته حسابررسی، مدیریت ریسک سازمانی، ارتباطات سیاسی.

۱. کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲. کارشناس ارشد حسابررسی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

## ۱- مقدمه

ریسک، به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از کلیه فعالیت‌های تجاری محسوب می‌شود و مدیریت اثربخش آن، نه تنها در رابطه با پیشگیری از مشکلات مالی و انجام بودجه‌بندی سرمایه‌ای و عملیاتی به سازمان کمک می‌کند، بلکه فرآیند تصمیم‌گیری را نیز بهبود می‌بخشد. در واقع یکی از اصلی‌ترین وظایف مدیریت، سروکار داشتن با ریسک اختصاصی است (مکنالی و توپوف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). به طور کلی، پیاده‌سازی مدیریت ریسک سازمانی، هیئت‌مدیره و سایر مدیران ارشد شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا کنترل بیشتری بر ریسک کلی شرکت داشته باشند (اودنل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲).

مدیریت ریسک سازمانی برنامه‌ای است که ریسک‌های یک سازمان را به روشی جامع و یکپارچه مورد بررسی قرار داده و به منزله بخشی از استراتژی کلی کسب و کار در نظر گرفته می‌شود و یکی از اهداف اصلی آن افزایش ارزش سهامداران است (مویلبرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲، هویت و لیونبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). تغییرات به وجود آمده در عوامل داخلی شرکت‌ها و نیز تغییر در عوامل محیطی شرکت باعث افزایش دامنه و پیچیدگی ریسک شرکت‌ها شده و این امر منجر به افزایش تقاضا برای استفاده از مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یک چارچوب مدیریت ریسک کل‌گرا شده است (پگچ و وار<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸).

به طور کلی، پیاده‌سازی سیستم مدیریت یکپارچه ریسک، هیات‌مدیره و سایر مدیران ارشد سازمان را قادر می‌سازد تا کنترل بیشتری بر ریسک کلی شرکت داشته باشند و این امر در نهایت موجب کاهش خطر کنترل در فرآیند حسابرسی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی خواهد شد (هاس<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین بررسی عوامل موثر بر بهبود مدیریت ریسک سازمانی ضروری می‌باشد و به نظر می‌رسد که در صورت وجود مکانیزم‌های نظارتی موثر در شرکت، پیاده‌سازی مدیریت ریسک شرکت توسط مدیران بهتر صورت پذیرد. یکی مهم‌ترین مکانیزم‌های نظارتی که در طول سال‌های اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته است، کمیته حسابرسی می‌باشد.

کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند موجب بهبود فرآیند گزارشگری مالی و عملکرد شرکت شود. از سال ۱۳۹۱ به بعد، کمیته حسابرسی مورد توجه سرمایه‌گذاران و دولت قرار گرفته است؛ زیرا این کمیته مسئولیت نظارت بر کنترل‌های داخلی و گزارش‌های مالی شرکت‌ها را بر عهده دارند. از طرفی پایه و اساس اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اتکا است. اما برخی از شرکت‌ها اقدام به دستکاری فرصت‌طلبانه صورت‌های مالی می‌نمایند. بنابراین، وجود کمیته‌ای مستقل در شرکت همانند کمیته حسابرسی به عنوان یکی از ارکان نظام حاکمیت شرکتی، برای کنترل مداوم چنین فعالیت‌هایی ضروری

1. McNally
2. O'Donnell
3. Meulbroek
4. Hoyt & Liebenberg
5. Pagach & Warr
6. Hass

است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶).

از آنجایی که کمیته حسابرسی هم با حسابرسان داخلی و هم با حسابرسان مستقل در ارتباط است، بنابراین افزایش کیفیت حسابرسی داخلی و حسابرسی خارجی، منجر به بالا رفتن اثربخشی کمیته حسابرسی خواهد شد و در نتیجه کمیته حسابرسی می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش ریسک‌های شرکت داشته باشد. در واقع، کمیته حسابرسی می‌تواند کنترل‌های حاکم بر گزارشگری مالی شرکت را افزایش دهد و در چنین شرایطی دستکاری‌های فرصت‌طلبانه مدیران کاهش، قابلیت اتکای صورت‌های مالی افزایش و از سوی دیگر بازده مطالبه شده توسط سهامداران به دلیل کاهش ریسک‌های پیش‌روی شرکت کاهش می‌یابد و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی به دلیل کاهش ریسک کلی شرکت بهتر برنامه‌ریزی و انجام خواهد شد (مسیر آ و همکاران، ۲۰۱۴؛ بایلی، ۲۰۱۸). بنابراین، انتظار می‌رود که کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تاثیر بسزایی بر استراتژی‌های مدیریت ریسک داشته باشد و به طور قابل توجهی آن را بهبود بخشد (آلارینا، ۲۰۱۷؛ آلینی، ۵ و همکاران، ۲۰۱۶؛ عبدالله و شکور، ۶، ۲۰۱۷).

همچنین در این پژوهش تاثیر تعدیل‌گری ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباطات سیاسی به معنای انتقال اطلاعات سیاسی از بخش‌های سیاسی به بخش‌های اجتماعی است و بر تعامل متقابل رسانه‌ها و سیاستمداران تاکید دارد. بنابراین تعریف ارتباطات برای تمام جنبه‌های رفتار سیاسی و اجتماعی دارای اهمیت است. بدون ارتباط، نه سیاست و نه جامعه نمی‌تواند وجود داشته باشد. ارتباط، عنصر پویای نظام سیاسی است. جین و مایرز<sup>۷</sup> (۲۰۱۶) در مطالعات کلاسیک خود به نام "اعصاب حکومت" ارتباط را عنصر کانونی درک سیاسی می‌داند. مفهوم ارتباطات سیاسی در واقع نقش ارتباطات و رسانه در حوزه سیاست و قدرت است و بر تعامل میان سیاستمداران و رسانه‌ها تاکید دارد. از دیدگاه فن<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۷) ارتباط سیاسی عبارت است از انتقال عمدی یک پیام سیاسی از یک فرستنده به یک گیرنده با هدف ایجاد تغییر در رفتار، گفتار و پندار مخاطب آن‌گونه که فرستنده می‌خواهد.

در این پژوهش استدلال می‌شود که ارتباطات سیاسی از طریق دسترسی آسان به منابع خارجی و قراردادهای مبتنی بر روابط که در نتیجه‌ی نظارت‌های موثر کمیته حسابرسی حاصل می‌شود، منابع ارزشمندی برای شرکت فراهم می‌کند و بر مدیریت ریسک شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد

1. Bansal & Sharma
2. Messier
3. Bailey
4. Alareeni
5. Allini
6. Abdullah & Shukor
7. Jin & Myers
8. Fan

(کلاسنس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ هوستن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ پیوتروسکی و ژانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴؛ میرزا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ بین‌فنگ و سلطان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹). همچنین، ارتباطات سیاسی می‌تواند به کاهش مشکلات ناشی از محدودیت‌های مالی کمک کند و سرمایه لازم را برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت فراهم کرده و ریسک جذب منابع مالی پایین را کاهش دهد و زمانی که ریسک‌های کلی سازمان کاهش یابد، مدیریت اینگونه ریسک‌ها توسط مدیریت بهتر صورت می‌پذیرد.

از سوی دیگر، ارتباطات سیاسی ممکن است با مداخله شدید دولت و انحراف از اهداف نهایی شرکت همراه باشد. بنابراین، برای دستیابی به اهداف اجتماعی یا سیاسی‌ای که دولت به آن‌ها علاقه دارد، مدیران ارشد شرکت‌ها مجبور می‌شوند در پروژه‌های غیرسودآور سرمایه‌گذاری کنند؛ در این بین اگر مدیران از توانمندی کمتری برخوردار باشند و فعالیت‌های کمیته حسابرسی به درستی در شرکت انجام نشود، می‌تواند منجر به هدرروی منابع شرکت شوند (پن و تیان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷). در چنین حالتی، مدیران دارای روابط سیاسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی را شناسایی می‌کنند و در پروژه‌های سرمایه‌گذاری متعددی سرمایه‌گذاری می‌نمایند که در این نظریه با افزایش سطح ریسک‌پذیری شرکت‌ها، ریسک‌های کلی سازمان افزایش می‌یابد و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود، بنابراین انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تأثیر معناداری داشته باشد (میرزا و همکاران، ۲۰۱۹).

مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یکی از بحث‌های نوظهور در زمینه حسابداری تبدیل شده است و هنوز کمبود تحقیقات فراوانی در این زمینه احساس می‌شود و آنجایی که مدیریت ریسک سازمانی به عنوان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای سنجش عملکرد مدیران توسط سرمایه‌گذاران و سهامداران مطرح می‌باشد، بنابراین می‌تواند در جذب یا دفع سرمایه‌گذاران نقش مهمی داشته باشد. از سویی دیگر، با توجه به اینکه در ایران اکثر شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به صورت غیر مستقیم تحت کنترل دولت هستند و دولت بر عملکرد این شرکت‌ها نظارت و دخالت دارد، لذا به نظر می‌رسد بررسی ارتباطات سیاسی شرکت‌ها و تأثیر آن بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی ضروری و با اهمیت است.

با توجه به مطالب ارائه شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد؟ همچنین آیا ارتباطات سیاسی، رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را دستخوش تغییر می‌نماید؟

1. Claessens
2. Houston
3. Piotroski & Zhang
4. Mirza
5. Bin-Feng & Sultan
6. Pan & Tian



## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به طور معمول در شرکت‌ها از مدیریت ریسک سازمانی برای کاهش آثار مربوط به پیدایش شرایط نامساعد و در نتیجه کاهش تأثیر رفتاری این شرایط بر عملکرد، کارکرد شرکت‌ها و فعالیت‌های مالی استفاده می‌شود. هدف از مدیریت اثربخش ریسک سازمانی، مدیریت نااطمینانی است و شامل فعالیت‌های شناسایی، ارزیابی، پایش و کاهش تأثیر ریسک‌ها بر یک کسب و کار می‌شود. یک برنامه مدیریت اثربخش ریسک صحیح با استراتژی‌های مدیریت اثربخش ریسک مناسب، مشکلات هزینه بر و استرس‌زا را می‌تواند به حداقل برساند و خطر تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی را کاهش دهد.

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند با مدیریت ریسک سازمانی مرتبط باشد. کمیته حسابرسی به عنوان کمیته فرعی هیئت‌مدیره شناخته می‌شود که از طرفی مسئول ایجاد استراتژی مناسب برای بهبود سلامت مالی شرکت است (بنسال و شارما، ۲۰۱۶) و از سوی دیگر وظیفه دارد تا درباره‌ی فعالیت‌های خود به هیئت‌مدیره پاسخگو باشد (محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳). بنابراین، اگر کمیته حسابرسی تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی در برابر اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت بهبود مدیریت ریسک شرکت خواهد داشت (باردج و رائو، ۲۰۱۸).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، کمیته حسابرسی مهم‌ترین نقش را در جهت کاهش مشکلات نمایندگی ایفا می‌کند. پراکنده بودن سهامداران و عدم کنترل و نظارت مستقیم بر مدیران ممکن است که ریسک کلی سازمان را افزایش دهد. علاوه بر این، مدیران نسبت به سهامداران دارای اطلاعات بیشتری در ارتباط با شرکت هستند و بدین ترتیب به واسطه عدم تقارن اطلاعاتی موجود، نمی‌توانند آگاهانه در مورد ریسک‌های پیش روی شرکت تصمیم‌گیری نمایند. بنابراین، مجموعه‌ای از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی می‌تواند در کاهش مشکلات نمایندگی و بهبود مدیریت ریسک سازمانی موثر واقع شوند (سیاجین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

مطالعات پیشین اظهار داشتند که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایفش حیاتی می‌باشد (سماها<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ عثمان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). اثربخشی کمیته حسابرسی از عوامل زیادی نشأت می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها اندازه، تخصص، استقلال، تعداد جلسات کمیته، دوره تصدی و جنسیت اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. به طور کلی، نظارت موثر کمیته حسابرسی بر عملکرد مدیران، نیازمند دارا بودن دانش کافی برای ارزیابی تصمیمات مدیریتی می‌باشد و هر چه تخصص اعضای کمیته حسابرسی در مسائل حسابداری و حسابرسی بیشتر باشد و اعضای کمیته از بین مدیران خارج

1. Bhardwaj & Rao
2. Siagian
3. Samaha
4. Othman

از سازمان انتخاب شده باشند (مدیران غیرموظف)، کیفیت کمیته حسابرسی افزایش می‌یابد (روایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴؛ فاکیو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). بر همین اساس، در این پژوهش بر روی سه ویژگی کمیته حسابرسی تاکید شده و میزان اثرگذاری آن‌ها بر مدیریت ریسک سازمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، عدم تقارن اطلاعاتی و تئوری نمایندگی دو تئوری هستند که در پیوند با لزوم استقرار کمیته حسابرسی در شرکت‌ها استفاده می‌شوند. به طور کلی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی نقش مهمی در رفع عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی دارند. موضوع سیستم راهبری شرکتی، از دو نظر قابل طرح است: ۱- مفهوم نظارت کارآمد و ۲- مفهوم همگرایی منافع. این دو مفهوم در توجیه نتایج به دست آمده از تحقیقات زیادی است که در مورد ویژگی‌های حاکمیت شرکتی انجام شده است؛ به گونه‌ای که از منظر نظارت کارآمد، وجود و استقرار نظام حاکمیت شرکتی، از هزینه‌های نمایندگی می‌کاهد. در ضمن، کاهش ناپایداری (بی‌ثباتی) اقلام درآمدی و فرض وجود رابطه معکوس بین عوامل راهبری شرکتی و اقلام درآمدی شرکت قابل درک است. در حقیقت، پیش‌بینی می‌شود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی موجب افزایش شفافیت اطلاعات و کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی شود و این عمل موجب تقویت بازار سرمایه می‌شود؛ به طوری که انتظار می‌رود مدیریت ریسک شرکت را بهبود بخشد (حمدن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹).

همچنین، در این پژوهش به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی نیز پرداخته می‌شود. اصطلاح نظام سرمایه‌داری رابطه‌ای، برای توصیف رابطه نزدیک بین دولت با واحدهای تجاری اطلاق می‌شود. واحدهای تجاری تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت دارند؛ زیرا این روابط، منافع زیادی نظیر امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات، یارانه‌های دولتی، بستن قراردادهای سودآور، کاهش تعرفه گمرکی و غیره برای آن‌ها در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، واحدهای تجاری مرتبط ممکن است منافع بدست آمده ناشی از این روابط را با دولت تسهیم نمایند. این نوع بافت اقتصادی در سطح جامعه، اقتصاد مبتنی بر رابطه نامیده می‌شود که دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاص خود می‌باشد؛ لذا می‌توان بیان کرد که در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی، راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند که باعث می‌شود تا به گونه‌ای آسان‌تر، فرصت‌های سرمایه‌گذاری سود آور را شناسایی کنند و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی در این گونه شرکت‌ها بهبود می‌یابد (دو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴؛ کیم<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

1. Faccio

2. Hamdi

3. Du

4. Kim

همچنین، ارتباطات سیاسی، عملکرد شرکت را از طریق کانال‌های مختلفی همچون؛ امتیازهای دولتی از قبیل دسترسی به انواع وام‌های بانکی و غیر بانکی، دسترسی به انواع مواد اولیه، مقررات کمتر و مالیات سبک‌تر بهبود می‌بخشد. با این حال، بسیاری از محققان بر این باورند که ارتباطات سیاسی می‌تواند ریسک‌های پیش‌روی سازمان را افزایش دهد و در نتیجه مدیریت ریسک سازمانی تضعیف شود (چانی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ دینگ<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ وانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). به عنوان مثال، چانی و همکاران (۲۰۱۱) بر این عقیده هستند که از آنجا که امنیت بدست‌آمده از طریق ارتباطات سیاسی منجر به غیر شفاف شدن شرکت‌ها می‌شود و یک سیگنال منفی درباره شرکت به بازار می‌دهد و کیفیت اطلاعات شرکت‌های با روابط سیاسی در مقایسه با همتایان‌شان پایین‌تر می‌باشد. لذا ریسک‌های کلی شرکت‌هایی که دارای ارتباطات سیاسی هستند، بیشتر می‌باشد و مدیریت این ریسک‌ها توسط مدیریت دشوارتر می‌باشد (میرزا و همکاران، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر، استدلال می‌شود که فعالیت مدیران سیاسی از شفافیت کمتری برخوردار است و مدیران اطلاعات سیاسی را از سهامداران پنهان می‌کنند. در نتیجه مدیران در زمینه سرمایه‌گذاری، ممکن است بازده بلندمدت پروژه‌های سودآور را فدای بازده کوتاه‌مدت کنند (دنگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). در چنین شرایطی به دلیل سیاسی بودن مدیران شرکت، اعمال نظارت توسط کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی دشوارتر می‌شود. بنابراین در اغلب مطالعات، نقش روابط سیاسی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های نامطلوب به چشم می‌خورد و این شرکت‌ها به دلیل دسترسی بیشتر به جریان‌های نقد آزاد، دارای مشکلات نمایندگی بیشتر و ریسک‌پذیری بالا هستند که همه این موارد منجر به مدیریت ضعیف ریسک سازمانی توسط مدیریت می‌شود (بین‌فنگ و سلطان، ۲۰۱۹). بنابراین انتظار می‌رود که ارتباطات سیاسی منجر به تعدیل رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی شود.

یو<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که ارتباطات سیاسی بر بیش سرمایه‌گذاری تاثیر مثبت و معناداری دارد. بین‌فنگ و سلطان (۲۰۱۹) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها با تاکید بر نقش تعدیل‌گری ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین ارتباطات سیاسی می‌تواند رابطه بین توانایی مدیریت و ریسک‌پذیری شرکت‌ها را تقویت کند. مالیک<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود استدلال کردند که مدیریت ریسک سازمانی تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌ها دارد. همچنین در صورت وجود کمیته

1. Chaney
2. Ding
3. Wang
4. Deng
5. Yu
6. Malik

مدیریت ریسک، این تاثیر تقویت می‌شود.

شواهد حاصل شده از پژوهش وانگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که شرکت‌هایی با مدیریت ریسک سازمانی ضعیف که به دنبال تامین مالی خارجی هستند، از مدیریت سود واقعی برای جذب هر گه بیشتر سرمایه‌گذاران استفاده می‌نمایند. شاتناوی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی تاثیر تعدیل‌گری مدیریت ریسک سازمانی بر رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت ریسک سازمانی می‌تواند رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت تقویت کند.

یافته‌های حاصل از پژوهش صالحی‌نیا و تامرادی (۱۳۹۸) بیانگر این است که ارتباطات سیاسی بر نسبت بدهی‌های کوتاه مدت، نسبت بدهی‌های بلند مدت، نسبت مجموع بدهی‌ها و هزینه بدهی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که ارتباطات سیاسی بر رتبه اعتباری شرکت‌ها تأثیر منفی معناداری دارد. خواجه‌نصیری و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که بین کمیته حسابرسی و تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد، همچنین بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، علاوه بر این اندازه کمیته حسابرسی با تقلب در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری دارد.

عباسیان (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان داد که حضور یک حسابرس داخلی در اجرای حسابرسی‌های داخلی با مدیریت سود، ارتباط منفی دارد. همچنین، جلسات بین کمیته حسابرسی و حسابرس داخلی با مدیریت سود «ارتباط منفی ندارد. روح‌پرور و رازدار (۱۳۹۸) به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر بر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی پرداختند. نتایج بدست آمده از این پژوهش حاکی از ارتباط منفی و معنادار ویژگی‌های کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال و تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی) و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی است. همچنین، نتایج پژوهش هیچ رابطه معناداری بین جنسیت اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نشان نمی‌دهد.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های بیان شده، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:  
فرضیه اول) بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم) بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم) بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری

1. Wang

2. Shatnawi

وجود دارد.

فرضیه چهارم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

فرضیه پنجم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

فرضیه ششم) ارتباطات سیاسی، رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌نماید.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد و از حیث هدف، از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع استقرایی و پس رویداردی (گذشته‌نگر) و روش آماری آن الگوی رگرسیون خطی چندگانه می‌باشد. اطلاعات واقعی و حسابرسی شده شرکت‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و از نسخه ۱۰ نرم افزار EVIEWS برای تحلیل آماری استفاده گردید.

#### ۴-۱- جامعه آماری پژوهش

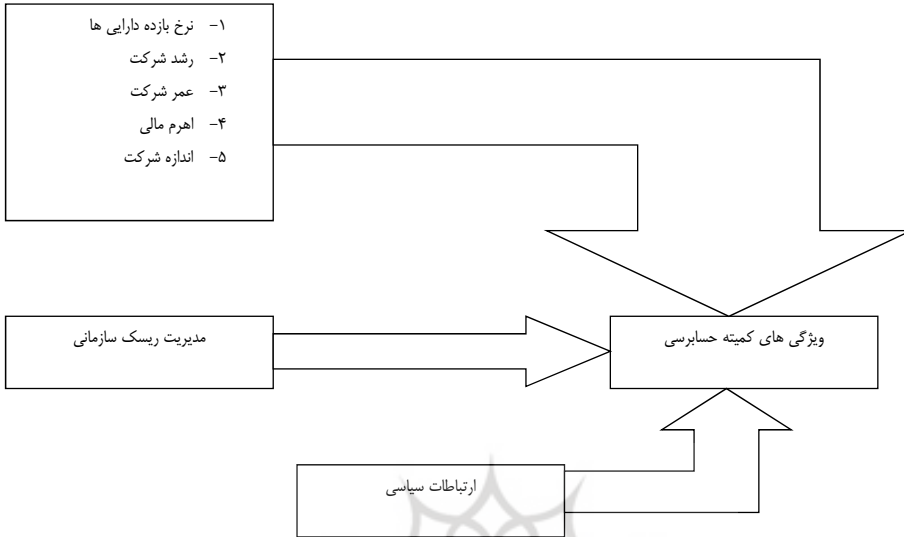
جامعه آماری، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۸ است که دارای شرایط زیر باشند:

۱. تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۱۳۹۲ باشد و تا پایان سال ۱۳۹۸ نیز در فهرست بورس اوراق بهادار تهران باشند.
  ۲. در دوره مورد نظر تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.
  ۳. داده‌های مورد نظر این پژوهش برای آن‌ها در دسترس باشد.
  ۴. جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ، لیزینگ‌ها و ...) نباشند.
  ۵. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
- با توجه به شرایط ذکر شده، ۱۴۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. در مجموع تعداد ۹۸۰ مشاهده (سال- شرکت) مورد آزمون قرار گرفته شده است.

#### ۴-۲- الگو و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، پرو پژوهش توسک و همکاران (۲۰۱۴)؛ شاتناوی و همکاران (۲۰۱۹) از مدل‌های زیر استفاده شده است:

نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش



با توجه به نمودار بالا، مدل‌های رگرسیونی زیر استخراج شده است:

مدل (۱): آزمون فرضیه‌های پژوهش

$$ERM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AUDSIZE_{it} + \beta_2 AUDINDP_{it} + \beta_3 AUDEXP_{it} + \beta_4 PC_{it} + \beta_5 (AUDSIZE_{it} \times PC) + \beta_6 (AUDINDP_{it} \times PC) + \beta_7 (AUDEXP_{it} \times PC) + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} LEV_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل‌ها، تعریف عملیاتی متغیرها به صورت زیر است:

متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش مدیریت ریسک سازمانی ( $ERM_{it}$ ) متغیر وابسته است. برای اندازه‌گیری مدیریت ریسک سازمانی، از ترکیب ۴ ریسک زیر استفاده شده است (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷):

رابطه (۱)

$$RM_{it} = RR_{it} + SR_{it} + OR_{it} + CR_{it}$$

که در آن:

$RR_{it}$ : راهبرد ریسک گزارشگری است که برای اندازه‌گیری آن از یک متغیر مجازی استفاده

شده است. اگر گزارش حسابرس تعدیل شده باشد (مردود، مشروط و عدم اظهار نظر) عدد یک و در غیر این صورت صفر است.

$SR_{it}$ : ریسک راهبردها است که برای اندازه‌گیری آن از رابطه زیر استفاده شده است:  
رابطه (۲)

$$SR_{it} = \frac{Sales_{it} - \mu Sales_{IND_{it}}}{\sigma Sales_{it}}$$

که در آن:

$Sales_{it}$ : فروش خالص شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$\mu Sales_{IND_{it}}$ : میانگین فروش ۳ سال قبل  $i$  در سال  $t$ .

$\sigma Sales_{it}$ : انحراف معیار فروش ۳ سال قبل شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$OR_{it}$ : ریسک عملیاتی شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از رابطه زیر (نسبت گردش دارایی‌ها) استفاده شده است:

رابطه (۳)

$$OR_{it} = \frac{Sales_{it}}{Assets_{it}}$$

که در آن:

$Sales_{it}$ : فروش خالص شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$Assets_{it}$ : ارزش دفتری دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ .

$CR_{it}$ : ریسک رعایت قوانین و مقررات مالیاتی شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شده است. نرخ مؤثر مالیاتی برابر است با نسبت هزینه مالیات ابرازی به سود خالص پس از کسر مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$ .

### متغیر مستقل و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش از ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان معیاری برای بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی استفاده شده است. ویژگی‌های کمیته حسابرسی در این پژوهش شامل موارد زیر است (توسک و همکاران، ۲۰۱۴):

۱- اندازه کمیته حسابرسی ( $AUDSIZE_{it}$ ): برابر است با تعداد اعضای کمیته حسابرسی شرکت  $i$  در سال  $t$ .

۲- استقلال اعضای کمیته حسابرسی ( $AUDINDP_{it}$ ): برابر است با تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی به کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت  $i$  در سال  $t$ .

۳- تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی ( $AUDEXP_{it}$ ): برابر است با تعداد اعضای متخصص مالی کمیته حسابرسی (اعضای کمیته حسابرسی که دارای مدرک تحصیلی مدیریت مالی، حسابداری و حسابرسی هستند) به کل اعضای کمیته حسابرسی شرکت  $i$  در سال  $t$ .

### متغیر تعدیل گر و نحوه محاسبه آن

در این پژوهش ارتباطات سیاسی ( $PC_{it}$ ) متغیر تعدیل گر است. شرکتی را دارای ارتباطات سیاسی می‌نامند که در آن، حداقل یکی از سهام داران عمده (سهام داری که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا زمان حاضر در دولت باشد. اگر شرکت دارای ارتباطات سیاسی باشد این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (صالحی نیا و تامرادی، ۱۳۹۸).

### متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آن‌ها

- ۱- نرخ بازده دارایی‌ها ( $ROA_{it}$ ): نمایانگر نسبت سود خالص به دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$  و شاخصی برای محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها می‌باشد.
- ۲- نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ( $MTB_{it}$ ): برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت  $i$  در سال  $t$ .
- ۳- عمر شرکت ( $AGE_{it}$ ): برابر است لگاریتم طبیعی عمر شرکت  $i$  در سال  $t$  از تاریخ تأسیس.
- ۴- اهرم مالی ( $LEV_{it}$ ): برابر است با نسبت ارزش دفتری بدهی‌های به جمع دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ .
- ۵- اندازه شرکت ( $SIZE_{it}$ ): متغیر اندازه شرکت، که برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$ .

### ۵- تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

#### ۵-۱- آمار توصیفی پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا است.

نگاره (۱). آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمیته	بیشینه	چولگی
مدیریت ریسک سازمانی	$ERM_{it}$	۳/۹۵۱	۳/۳۸۱	۴/۱۲۳	-۳/۴۲۹	۲۸/۷۴۰	۲/۸۳۷
اندازه کمیته حسابرسی	$AUDSIZE_{it}$	۳/۱۲۳	۳	۰/۴۷۴	۲	۵	۳/۳۵۲
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	$AUDINDP_{it}$	۰/۷۲۴	۰/۶۶۶	۰/۱۸۶	۰	۱	-۰/۵۸۵
تخصیص مالی اعضای کمیته حسابرسی	$AUDEXP_{it}$	۰/۹۰۲	۱	۰/۱۶۸	۰/۳۳۳	۱	-۱/۵۲۱
نرخ بازده دارایی	$ROA_{it}$	۰/۰۶۰	۰/۰۵۹	۰/۱۶۱	-۰/۵۷۹	۰/۴۶۹	-۰/۸۲۸
رشد شرکت	$MTB_{it}$	۴/۶۹۸	۲/۷۲۸	۴/۷۴۱	۱/۱۷۳	۱۸/۴۷۸	۱/۷۲۵
عمر شرکت	$AGE_{it}$	۳/۷۰۷	۳/۸۰۶	۰/۳۳۰	۲/۷۰۸	۴/۲۴۸	-۰/۶۶۵



متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمیانه	بیشینه	چولگی
اهرم مالی	LEV <sub>it</sub>	۰/۶۴۲	۰/۶۵۲	۰/۱۹۳	۰/۱۷۵	۰/۹۰۷	-۰/۳۳۸
اندازه شرکت	SIZE <sub>it</sub>	۱۴/۴۶۴	۱۴/۴۲۲	۱/۳۸۸	۱۰/۵۳۲	۲۰/۰۶۰	۰/۶۰۱
آمار توصیفی متغیرهای صفر و یکی (مجازی)							
ارتباطات سیاسی	PCit	شرط	تعداد	درصد			
		دارد=۱	۵۰۱	٪۵۱			
		ندارد=۰	۴۷۹	٪۴۹			
		جمع کل	۹۸۰	٪۱۰۰			

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق نگاره (۱)، میانگین متغیر ریسک سازمانی تقریباً ۳/۹۵۱ و میانه‌ی آن معادل ۳/۳۸۱ می‌باشد که دارای حداقل مقدار ۳/۴۲۹-، حداکثر مقدار ۲۸/۷۴۰ و انحراف معیاری در حدود ۴/۱۲۳ دارد. نزدیکی میانگین به انحراف معیار مبین نرمال بودن متغیر مدیریت ریسک سازمانی است. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد تعداد متوسط اعضای کمیته حسابرسی در شرکت‌های مورد بررسی ۳ نفر بوده است که از این میزان به طور متوسط ۷۲ درصد مستقل و حدود ۹۰ درصد دارای تخصص مالی بوده‌اند.

از سویی، میانگین متغیر نرخ بازده دارایی‌ها تقریباً ۰/۰۶۰ و میانه‌ای در حدود ۰/۰۵۹ دارد. مقدار انحراف معیار آن ۰/۱۶۱ بوده، حداقل و حداکثر مقدار آن به ترتیب ۰/۵۷۹- و ۰/۴۶۹ است. این نتایج نشان می‌دهد که به طور میانگین، میزان سود خالص در شرکت‌ها مورد بررسی حدود ۶ درصد ارزش دفتری دارایی‌ها بوده است. نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین متغیر اهرم مالی به طور متوسط حدود ۶۴ درصد است که این مبین این مطلب است که در شرکت‌های مورد بررسی میزان بدهی‌ها به طور متوسط حدود ۶۴٪ ارزش دفتری دارایی‌ها بوده است. همچنین، در بررسی متغیر مجازی (صفر و یکی) ارتباطات سیاسی ملاحظه می‌گردد که حدود ۵۱ درصد (۵۰۱ مشاهده سال-شرکت) از مشاهدات مورد بررسی دارای ارتباطات سیاسی بوده‌اند.

## ۵-۲- آمار استنباطی پژوهش

برای آزمون فرضیه تحقیق از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور اطمینان از تفسیر روابط رگرسیونی، فرضیه‌های زیر بنایی رگرسیون مورد استفاده در این تحقیق، مورد بررسی قرار گرفت. اولین شرط استفاده از رگرسیون این است که توزیع خطاها باید دارای توزیع نرمال با میانگین صفر باشد. بدین منظور از آزمون آزمون جارک-برا استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌هاست. برای بررسی عدم وجود خود همبستگی متغیرهای مستقل از آماره دوربین - واتسون استفاده شده است. مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر

می‌کند. اگر همبستگی بین مانده‌های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره باید نزدیک ۲ شود. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده‌ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده‌های متوالی است. به طور کلی اگر آماره دوربین-واتسون بین  $1/5$  و  $2/5$  قرار گیرد، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت. برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس استفاده شد. تجربیات عملی حاکی از این است که اگر عامل تورم واریانس (VIF) بزرگتر از عدد ۵ باشد، مبین وجود یک اخطار احتمالی است و در صورتی که بزرگتر از ۱۰ باشد، یک اخطار جدی را یادآور می‌شود و حکایت از آن دارد که ضرایب رگرسیونی مربوطه به علت هم‌خطی چندگانه به صورت ضعیفی برآورد شده‌اند. وقتی پراکندگی نزدیک به صفر است، همبستگی چندخطی بالایی وجود دارد و انحراف استاندارد رگرسیون متورم خواهد شد. نتایج آزمون خودهمبستگی و هم‌خطی در نگاره (۲) ارائه شده است و مبین برقرار بودن این فروض مهم رگرسیونی است.

برای انتخاب مدل تحلیل داده، داده‌ها می‌توانند به صورت سری زمانی، مقطعی یا ترکیبی باشند. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق از نوع ترکیبی (پنل) می‌باشند، باید مشخص شود که از نوع تابلویی (پنلی) هستند یا تلفیقی (پولد)؟ بدین منظور از آزمون چاو استفاده می‌شود. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می‌شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده خواهد شد. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می‌تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده شده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در نگاره (۲) ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، با توجه سطح معناداری بدست آمده و همچنین با توجه به سطح معناداری قابل پذیرش که کمتر از ۵ درصد می‌باشد، نتایج حاکی از آن است که برای هم مدل پژوهش از روش تابلویی با در نظر گرفتن اثرات ثابت استفاده گردیده است.

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که «اندازه کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر اندازه کمیته حسابرسی ( $AUDSIZE_{it}$ ) معادل  $0.102$  و آماره  $t$  معادل  $3.144$  می‌باشد که در سطح  $(0.001)$  معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در واقع، با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی، مدیریت ریسک سازمانی بهبود می‌بخشد.

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «استقلال کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر استقلال کمیته حسابرسی

(AUDINDP<sub>it</sub>) معادل ۰/۱۸۴ و آماره t معادل ۸/۸۲۱ می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه مبین این است که بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش تعداد اعضای مستقل کمیته حسابرسی، کیفیت مدیریت ریسک سازمانی بیشتر می‌شود.

فرضیه سوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «تخصیص مالی کمیته حسابرسی با مدیریت ریسک سازمانی رابطه معناداری دارد». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی (AUDEXP<sub>it</sub>) معادل ۱/۰۷۴ و آماره t معادل ۵/۱۲۱ می‌باشد که در سطح (۰/۰۰۰) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یعنی، زمانی که تعداد اعضای کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی بیشتر شده است، میزان اثربخشی مدیریت ریسک سازمانی افزایش یافته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نگاره (۲). نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

$ERM_{it} = \beta_0 + \beta_1 AUDSIZE_{it} + \beta_2 AUDINDP_{it} + \beta_3 AUDEXP_{it} + \beta_4 PC_{it} + \beta_5 (AUDSIZE_{it} \times PC) + \beta_6 (AUDINDP_{it} \times PC) + \beta_7 (AUDEXP_{it} \times PC) + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 MTB_{it} + \beta_{10} AGE_{it} + \beta_{11} LEV_{it} + \beta_{12} SIZE_{it} + \epsilon_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت ریسک سازمانی ( $ERM_{it}$ )						
متغیر مستقل: اندازه کمیته حسابرسی ( $AUDSIZE_{it}$ )، استقلال کمیته حسابرسی ( $AUDINDP_{it}$ )، تخصص مالی کمیته حسابرسی ( $AUDEXP_{it}$ )						
متغیر تعدیل‌گر: ارتباطات سیاسی ( $PC_{it}$ )						
متغیر	نماد	ضریب	انحراف معیار خطا	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	C	۵/۰۹۵	۱/۷۷۷	۲/۸۶۶	۰/۰۰۴	-
اندازه کمیته حسابرسی	$AUDSIZE_{it}$	۰/۱۰۲	۰/۰۳۲	۳/۱۴۴	۰/۰۰۱	۲/۳۲۶
استقلال اعضای کمیته حسابرسی	$AUDINDP_{it}$	۰/۱۸۴	۰/۰۲۰	۸/۸۲۱	۰/۰۰۰	۲/۴۵۵
تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	$AUDEXP_{it}$	۱/۰۷۴	۰/۲۰۹	۵/۱۲۱	۰/۰۰۰	۲/۶۷۴
ارتباطات سیاسی	$PC_{it}$	-۰/۴۷۳	۰/۰۵۰	-۹/۴۲۲	۰/۰۰۰	۲/۲۱۴
اندازه کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDSIZE_{it} \times PC_{it}$	-۰/۸۴۹	۰/۳۹۷	-۲/۱۳۸	۰/۰۳۲	۱/۲۳۱
استقلال کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDINDP_{it} \times PC_{it}$	-۰/۱۱۷	۰/۰۲۴	-۴/۷۷۸	۰/۰۰۰	۱/۱۴۰
تخصص مالی کمیته × ارتباطات سیاسی	$AUDEXP_{it} \times PC_{it}$	-۰/۲۳۰	۰/۰۱۸	-۱۲/۵۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۳۲
نرخ بازده دارایی	$ROA_{it}$	۵/۵۷۷	۰/۶۴۸	۸/۶۰۶	۰/۰۰۰	۱/۶۶۲
رشد شرکت	$MTB_{it}$	۰/۱۳۸	۰/۰۱۷	۸/۰۶۷	۰/۰۰۰	۱/۰۷۸
عمر شرکت	$AGE_{it}$	-۰/۵۸۲	۰/۲۳۱	-۲/۵۱۵	۰/۰۱۲	۱/۰۵۹
اهرم مالی	$LEV_{it}$	۱/۴۱۳	۰/۶۵۳	۲/۱۶۳	۰/۰۳۰	۲/۵۳۹
اندازه شرکت	$SIZE_{it}$	-۰/۰۲۱	۰/۰۵۸	-۰/۳۶۷	۰/۷۱۳	۱/۰۶۱
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۷۹		آماره دوربین واتسون		۱/۵۹۶
آماره F		۱۸/۸۷۱		سطح معناداری آزمون فیشر		۰/۰۰۰

آماره آزمون چاو (F لیمر)	۱۲/۵۲۸	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن	۳۹/۰۴۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه چهارم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در اندازه کمیته حسابرسی ( $PC_{it} \times AUDSIZE_{it}$ ) معادل  $-0/849$  و آماره  $t$  معادل  $-2/138$  می‌باشد که در سطح ( $0/032$ ) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در حقیقت، در شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان اثربخشی اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی تقویت می‌یابد.

فرضیه پنجم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در استقلال اعضای کمیته حسابرسی ( $PC_{it} \times AUDINDP_{it}$ ) معادل  $-0/117$  و آماره  $t$  معادل  $-4/778$  می‌باشد که در سطح ( $0/000$ ) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به عبارتی، در شرکت‌هایی که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان اثرپذیری استقلال اعضای کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی افزایش می‌یابد.

فرضیه ششم این پژوهش به این صورت مطرح شد که «ارتباطات سیاسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی را تعدیل می‌کند». در نگاره (۲)، ضریب متغیر تعدیلی ارتباطات سیاسی در تخصص مالی کمیته حسابرسی ( $PC_{it} \times AUDEXP_{it}$ ) معادل  $-0/230$  و آماره  $t$  معادل  $-12/585$  می‌باشد که در سطح ( $0/000$ ) معنادار می‌باشد و از آنجا که کمتر از خطای پیش‌بینی (۵٪) است، معناداری متغیر مستقل در سطح اطمینان بیش از ۹۵٪ تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در واقع، در شرکت‌هایی

که ارتباطات سیاسی وجود دارد، میزان تأثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی بیشتر است.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و یکی از کمیته‌های فرعی هیأت مدیره می‌تواند مدیریت ریسک سازمانی را تحت تأثیر قرار دهد. کمیته حسابرسی با کارکرد اثربخش می‌تواند با ایجاد راهبردهای مناسب به بهبود نظارت در شرکت و سلامت مالی در گزارشگری کمک شایانی نماید و تصویر مطلوبی از صورت‌های مالی به اعضای هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی ارائه دهد، جایگاه بهتری برای اتخاذ استراتژی‌های موثر در جهت بهبود مدیریت ریسک شرکت خواهد داشت (باردج و راثو، ۲۰۱۸). از طرفی، امنیت ایجاد شده از طریق ارتباطات سیاسی منجر به غیر شفاف شدن شرکت‌ها می‌شود و تصمیم‌گیرهای عمدتاً سیاسی افراد وابسته به دولت گاهاً به نفع سهامداران نبوده و این می‌تواند منجر به کاهش نقش نظارتی کمیته حسابرسی (به عنوان یکی از کمیته‌های اصلی هیأت مدیره) و مدیریت ریسک شرکت شود (چانی و همکاران، ۲۰۱۱). در این تحقیق در مقایسه با پژوهش‌های توسک و همکاران (۲۰۱۴) و شاتناوی و همکاران (۲۰۱۹)، اثر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر رابطه بین کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی پرداخته شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع، در شرکت‌هایی که تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر بوده است، مدیریت ریسک سازمانی مطلوب‌تر بوده است. طبق مبانی نظری، بیشتر شدن تعداد اعضای کمیته با افزایش کنترل، به بهتر شدن گزارشگری مالی می‌انجامد و کنترل فعالیت‌های مدیرعامل را بهبود می‌بخشد. اندازه کمیته حسابرسی یک فاکتور مهم برای تحویل گزارش‌های پر محتوا توسط شرکت است که این می‌تواند منجر به بهبود مدیریت ریسک شرکت شود.

نتایج پژوهش نشان داد که بین استقلال کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی در شرکت‌هایی که اعضای مستقل در کمیته حسابرسی بیشتر است، مدیریت ریسک سازمانی بهتر است. استقلال کمیته حسابرسی اغلب یک ویژگی بنیادی موثر بر اثربخشی کمیته در نظارت بر فرایند گزارشگری مالی محسوب می‌شود. کمیته حسابرسی جهت انجام نقش نظارتی و حفاظت از منافع سهامداران باید مستقل از مدیریت سازمان باشد. اگر اعضای کمیته حسابرسی، مستقل از مدیریت و مالکان سازمان باشند قادر خواهند بود که مدیریت را از دستکاری نتایج مالی منع کنند و با بهبود عملکرد شرکت، مدیریت ریسک سازمانی را افزایش دهند.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی در شرکت‌هایی که عضو متخصص

مالی در کمیته حسابرسی بالاتر بوده است، مدیریت ریسک سازمانی بهتر است. اعضای کمیته حسابرسی برای انجام اثربخش وظایف خود در منشور، بایستی تخصص مالی داشته باشند و این تخصص فراتر از آشنایی صرف با صورت‌های مالی است. در صورتی کار کمیته حسابرسی اثربخش خواهد بود که اعضای کمیته حسابرسی در حوزه‌های حسابداری، حسابرسی کنترل داخلی و گزارشگری مالی، متخصص باشند. وجود اعضای متخصص در حوزه‌های مالی، حسابداری و حسابرسی در بین اعضای کمیته حسابرسی احتمال کشف موارد ارائه نادرست صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد، زیرا افراد متخصص جهت حفظ اعتبار حرفه‌ای خود آیین رفتار حرفه‌ای را رعایت می‌کنند و این می‌تواند منجر به بهبود مدیریت ریسک شرکت شود.

نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در حقیقت با افزایش ارتباطات سیاسی در شرکت، ارتباط بین اندازه کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی ممکن است با مداخله شدید افراد وابسته به دولت و انحراف از اهداف نهایی شرکت منجر به افزایش ریسک کلی شده و میزان اثربخشی اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی را کاهش دهد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. در واقع، با افزایش ارتباطات سیاسی، ارتباط بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی کاهش می‌یابد. این نتیجه نشان می‌دهد که فعالیت مدیران سیاسی از شفافیت کمتری برخوردار است و در چنین شرایطی به دلیل سیاسی بودن مدیران شرکت، اعمال نظارت توسط کمیته حسابرسی بر مدیریت ریسک سازمانی دشوارتر می‌شود که این می‌تواند این رابطه را تضعیف کند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر رابطه بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی دارد. به عبارتی با افزایش ارتباطات سیاسی در شرکت، ارتباط بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی تضعیف می‌شود. این نتیجه از آنجا قابل توجیه است که نقش ارتباطات سیاسی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های نامطلوب به چشم می‌خورد و این شرکت‌ها به دلیل دسترسی بیشتر به جریان‌های نقد آزاد، دارای مشکلات نمایندگی بیشتر و ریسک پذیری بالا هستند که همه این موارد منجر به تضعیف نقش اعضای متخصص مالی کمیته حسابرسی و مدیریت ضعیف ریسک سازمانی توسط مدیریت می‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اهمیت نقش کمیته حسابرسی در بهبود مدیریت ریسک شرکت‌ها، به مدیران و اعضای هیأت مدیره پیشنهاد می‌شود که به تأثیر مثبت ویژگی‌های کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال و تخصص مالی کمیته حسابرسی) در بهبود مدیریت ریسک سازمانی توجه ویژه‌ای داشته باشند. از اینرو، به آنها پیشنهاد می‌شود که با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی که استقلال داشته باشند و ترجیحاً دارای تخصص مالی نیز باشند، مدیریت ریسک سازمانی را تقویت نمایند. همچنین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در هنگام

تعیین سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود، به میزان اثربخشی واحد کمیته حسابرسی شرکت‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشند زیرا این شرکت‌ها عمدتاً دارای یک واحد مدیریت ریسک قوی‌تر هستند که این می‌تواند از ریسک سرمایه‌گذاری آن‌ها بکاهد. به حساب‌رسان پیشنهاد می‌شود که در بررسی میزان ریسک شرکت‌ها، بر نقش مثبت کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک توجه ویژه داشته باشند و همچنین، به این مهم توجه داشته باشند که وجود افراد دارای روابط سیاسی در هیأت مدیره صاحبکار می‌تواند نقش کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک را تضعیف نماید و لذا خطر حسابرسی در این سازمان‌ها را بالاتر برآورد نمایند.

به محققان پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی اثر نا اطمینانی سیاسی بر مدیریت ریسک سازمانی بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر نا اطمینانی سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت ریسک سازمانی بررسی شود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و کمیته حسابرسی پرداخته شود.

## فهرست منابع

### الف- منابع فارسی:

۱. بادآور نهندی، یونس؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر کارایی سرمایه‌گذاری و عملکرد شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۱۹-۴۲.
۲. جعفرنژاد، نوید، مقبل باعرض، عباس و آذر، عادل. (۱۳۹۷). شناسایی و استخراج مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمان با استفاده از روش فراترکیب. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، سال هشتم، شماره ۵، صص ۳۱-۵۰.
۳. خواجه نصیری، سمیه؛ جعفرزاده بی شک، دکتر محمد صادق محمد صادق. (۱۳۹۸). ارتباط بین کمیته حسابرسی و تقلب در گزارشگری مالی، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، شماره ۱۱، صص ۹۲-۷۶.
۴. روح پرور، ملیحه؛ رازدار، محمدرضا. (۱۳۹۸). تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر برحق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۵۶، صص ۳۶۰-۳۳۹.
۵. رویایی، رمضان علی و ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق، فصلنامه حسابداری مالی، شماره ۲۵، صص ۸۸-۷۱.
۶. صالحی نیا، محسن و تامرادی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱ (۴۰)، صص ۶۰-۳۹.
۷. عباسیان، یکتا. (۱۳۹۸). تأثیر کمیته حسابرسی و عملکرد حسابرسی داخلی بر مدیریت سود، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، شماره ۷، صص ۶۰-۴۷.
۸. عبدالحی، احمد و آقای محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی حسابرسی داخلی در عملکرد مدیریت ریسک و کنترل سازمان‌های دولتی، مدیریت سازمان‌های دولتی، شماره ۳، صص ۱۹-۱.
۹. عسگرنژاد نوری، باقر و امکانی، پریرسا. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت اثربخش ریسک بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: نقش واسطه‌ای سرمایه‌گذاری و اهرم. مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۱۲-۹۳.
۱۰. قادری، کاوه؛ قادری، صلاح الدین و قادری، سامان. (۱۳۹۷). تأثیر عامل رفتاری اطمینان بیش از حد مدیران بر اثربخشی مدیریت ریسک. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۲۷۲-۲۴۳.



### ب- منابع خارجی:

1. Abdullah, M., & Shukor, Z. A. (2017). The Comparative Moderating Effect of Risk Management Committee and Audit Committee on the Association Between Voluntary Risk Management Disclosure and Firm Performance. *Journal Pengurusan (UKM Journal of Management)*, 13(1), 762-773.
2. Alareeni, B. (2017). The association between audit firm characteristics and audit quality: A meta-analysis.
3. Allini, A., Manes Rossi, F., & Hussainey, K. (2016). The board's role in risk disclosure: an exploratory study of Italian listed state-owned enterprises. *Public Money & Management*, 36(2), 113-120.
4. Alzeban, A., & Sawan, N. (2015). The impact of audit committee characteristics on the implementation of internal audit recommendations. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 61-71.
5. Bailey, C. (2018). The Impact of Enterprise Risk Management on the Audit Process: Evidence from Audit Fees and Audit Delay. *Journal of Emerging Technologies in Accounting*, Vol. 23, No. 1. Pp. 141-191.
6. Bansal, N. A, K.Sharma. (2016). Audit committee, corporate governance and firm performance. *International Journal of Economics and Finance*, Vol. 55, No. 8, PP. 50-66.
7. Bhardwaj, M. N, & Rao. (2015). Role of audit committee in corporate governance. *International Journal of Management and Social Science Research Review*, I (10): 61-67.
8. Bin-Feng, C and Sultan, S. (2019). Political association, managerial power heterogeneity, and corporate risk-taking in China, *Economic Research-Ekonomiska Istraživanja*, Vol. 2, PP. 202-235.
9. Chaney PK, Faccio M, Parsley D (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *J Account Econ* 51(1-2):58-76.
10. Chen, Y., Chang, Y., Huang, G., and Shih, J. (2019). The value of implementing enterprise risk management: Evidence from Taiwan's financial industry. *The North American Journal of Economics and Finance*, Vol. 55, No. 8, PP. 50-66.
11. Claessens, S., Feijen, E., Laeven, L., (2018). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of Financial Economics*, 88 (3), 554-580.
12. Deng, K., Zeng, H. & Zhu, Y. (2017). Political connection, market frictions and financial constraints: evidence from China. *Accounting & Finance*, Early View, Version of Record online: 12 OCT 2017.
13. Ding S, Jia C, Wilson C, Wu Z (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Rev Quant Finance Account* 45(2):407-434.
14. Du, X., Zeng, Q., Du, Y., (2018). Do politically connected independent directorship Chinese listed private firms enter high-barrier industries? *China Account. Finance Rev.* 16, 121-153.
15. Faccio, T., (2016), "Characteristics of effective audit committees in federal, state and local governments ", *The Journal of Government Financial Management*: 44-48.
16. Fan, J.P.H., Wong, T.J., Zhang, T., (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and post-IPO performance of China's newly partially privatized firms. *J. Financ. Econ.* 84, 330-357.
17. Haider, J., and Fang, H.X. (2018). CEO power, corporate risk taking and role of large shareholders. *Journal of Financial Economic Policy*, Vol. 22, No. 2, Pp. 1-32.
18. Hamdan, A. M., Sarea, A. M., & Reyad, S. M. R. (2019). The impact of audit committee characteristics on the performance: Evidence from Jordan. *International Management Review*, 9(1):32-42.

19. Hass, S., Abdolmohammadi, M.J., and Burnaby, P. (2019). The Americas literature review on internal auditing. *Manag Audit. Rev.* Vol. 21, No. 8, Pp. 835-844.
20. Houston, J., Jiang, L., Lin, C., Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 193-243.
21. Hoyt, R. E. , and Liebenberg, A. P. (2015). The Value of Enterprise Risk Management. *Journal of Risk and Insurance*, Vol. 78, No. 4, Pp. 795-822.
22. Jin, L., & Myers, S.C. (2016). R2 around the world: New theory and new tests. *Journal of financial Economics* ,79(2), 257-292.
23. Kim, J.B., Li, Y., Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100(3), 639–662.
24. Lee, C.C., Wang, C.W., Chiu, W.C., Tien., T.S. (2018). Managerial ability and corporate investment opportunity, *International Review of Financial Analysis*, 57,65–76.
25. Malik, M; Zaman, M & Buckby, S. (2019). “Enterprise Risk Management and Firm Performance: Role of the Risk Committee”, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 29, No. 3, Pp. 129-136.
26. McNally, J. S., and V. H. Tophoff. (2014). Leveraging effective risk management and internal control. *Strategic Finance*, , Vol. 31, No. 3, Pp. 29-36.
27. Meulbroek, L. M. (2012). Integrated Risk Management for the Firm: A Senior Manager’s Guide. *Journal of Applied Corporate Finance*, , Vol. 14, No. 1, Pp. 67-70.
28. Messier, G. ,and G. Visvanathan, (2014). The Effects of audit on Enterprise Risk Management, *Journal of Accounting, Auditing and Finance* 24, 115–144.
29. Mirza, M.M, Safdar, R., Yu, Y., Gulzar, M.A. (2019). Managerial Empowerment and Firm Risk-Taking, *International Business School, Zhejiang Gongshang University, Hangzhou 310018, China.*
30. O’Donnell, A. (2012). 10 Pillars of an Effective Insurance ERM Framework. *Procedia Economics and Finance*, Vol. 15, No. 4, PP. 1015 – 1020.
31. Othman, R. , Ishak, I. F. , Arif, S. M. M. and Abdol, N. (2014). Influence of audit committee characteristics on voluntary ethics disclosure, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 145, 330 – 342.
32. Pagach, D. , and Warr, R. (2018). The Effects of Enterprise Risk Management on Firm Performance. *Journal of Risk & Insurance*, , Vol. 23, No. 3, Pp. 14-36.
33. Pan, L & Tian, T. (2017). Politicians and the IPO decision: The impact of impending political promotions on IPO activity in China. *Journal of Financial Economics*, 111 (1), 111-136.
34. Piotroski, J., Zhang, T. (2014). Politicians and the IPO decision: The impact of impending political promotions on IPO activity in China. *Journal of Financial Economics*, 111 (1), 111-136.
35. Samaha, K., Khlif, H. , & Hussainey, K. (2015). The impact of board and audit committee characteristics on voluntary disclosure: A meta-analysis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 24, 13-28.
36. Shatnawi, S., Hanefah, M., Aada, A., Eldaia, M. (2019). The Moderating Effect of Enterprise Risk Management on the Relationship between Audit Committee Characteristics and Corporate Performance, *Journal of Banking and Finance*, Vol. 31, pp. 889–913.
37. Shin, H and Park, Y. (2018). Financing constraints and internal capital markets: evidence from Korean ‘Chaebols, *Journal of Corporate Finance*, 5, 169-191.
38. Siagian, F, Sylvia V, Siregar, Y, R. (2011). corporate governance, reporting quality, and firm value: evidence from Indonesia. *Journal of Accounting in Emerging Economies* 3 (1): 4-20.
39. Tusek, B., Tager, L., Barisic, L. (2014). The role of audit committee in the enterprise risk management, available in: [www.researchgate.net/publication/292937621](http://www.researchgate.net/publication/292937621) The role of audit committee in the enterprise risk management.

40. Yu, X., Yao, Y., Huanhuan, ZH., Lin, ZH. (2019). The role of political connection on overinvestment of Chinese energy firms, [https:// doi.org/10.1016/ j.eneco . 2019.104516](https://doi.org/10.1016/j.eneco.2019.104516).
41. Wang, T., Lin, Y., Werner, E., Chang, H. (2019). The relationship between external financing activities and earnings management: Evidence from enterprise risk management. *International Review of Economics & Finance*, Vol. 58, PP. 312-329.
42. Zhong, R. (2018). Transparency and firm innovation, *Journal of Accounting and Economics*, In press, corrected proof, Available online 24 February 2018.

